

در صفحات دیگر این شماره:

- مراسم بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام صفحه ۱۶
- بزرگداشت رفیق شهید علی اصغر دورس در مشهد صفحه ۱۶
- روز به روز جنگ مقاومت در کردستان صفحه ۵
- بمناسبت ۱۴ مرداد: جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران (۲) صفحه ۷

در شهر سنج، شهر حماسه و مقاومت چه میگذرد؟
صفحه ۱۱

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون
یاوه های شیخ محمد منتظری

حق شناس: محمد منتظری با نگاهی به من درماتنگی خود و طبقه وایدنولوژیست را نشان میدهد.
صفحه ۱۱

در رابطه با لفظ قانون "سود ویژه" میخوانید:

«لغو سود ویژه» و حزب جمهوری اسلامی

لغو سود ویژه و جناحهای هیئت حاکمه

وزیر کار در جلسه شوراها کارگران چه گفت؟ صفحه ۳

فلسطین در جمهوری اسلامی هم "لحاف ملا" است

● آیا میدانید روز قدس هیچ ربطی
به مبارزات خلق فلسطین ندارد؟!

در هفته گذشته هياهو بسياري بر سر حمايت از "قدس" و "مردم" و از ره فلسطین "بريا بود" دولت مردان جمهوری اسلامی هر چه توانستند در باره "حمایتان" از "قدس" نروبان راندند بطوریکه اگر کسی از ما هیت قفا با خبر نشنا ند ممکن است خیال کند که در پشت این سروصدا ها حقیقتی هم نهفته است و جمهوری اسلامی واقعا به قضیه فلسطین کمک میکند!

مسئله فلسطین که یکی از عا دلانه ترین مسائل در مبارزات حق طلبانه خلقهای جهان است همواره مورد بیعتنایی سازمانها و احزاب راستین کمونیست و نیروهای انقلابی در سطح جهانی بوده است. سازمانها و گروههای کمونیستی و انقلابی ایران نیز تا بحال با حمایت و شرکت مستقیم در نبرد عا دلانه خلق فلسطین، نشان داده اند که طبقه کارگر و زحمتکشان ایران متحد خلق فلسطین در مبارزه علیه صهیونیسم و امپریالیسم و ارتجاع میباشد. بسیار بودند رفقای کمونیست و انقلابی که در کنار خلق فلسطین رزمیده اند و در کنار خلق فلسطین و با دربار زکات به ایران بدست رژیم جلاد شاه به شهادت رسیده اند.

از طرف دیگر مبارزه عا دلانه خلق فلسطین همواره از سوی نیروهای ارتجاعی عرب و غیر عرب مورد سوءاستفاده بوده است. اینرا کسانی مانند آیت الله خامنه ای بقیه در صفحه ۸

سرمایه گذارهای امپریالیستی در شوروی سوسیال امپریالیستی

در طی سالهای اخیر امپریالیستهای آمریکا، ژاپنی، اروپایی، سوسیالیست، کداریهای وسیعی در شوروی انجام داده اند. و تواردهای متعددی با شوروی بسته شده اند. علت این سرمایه گذاریها چیست؟ چرا کشوری که به قول برونسدرت "به مرزهای از حد دراز منتهی" میباشد و حتی کمونیسم را رسیده است (۱) هنوز محتاج سرمایه وام و تکنولوژی امپریالیستهای غربی میباشد؟ پاسخ این پرسشها در این نکته نهفته است که شوروی سوسیالیستی لنینیست و استالین بدنبال استقرار ریزوئیسم خروشچی بدستگاه حزبی و دولتی است. استخراج سرمایه داری انحصاری دولتی به کشوری سوسیال امپریالیستی تبدیل میگردد. پاسخ در این است که در این کشور حاکمیت تمام غبار ریزوئیسم دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان سوسیالیسم نابوده و دیکتاتوری پرولتاریا استقرار نیامده. برای اینکه مطلب در همین حد کلی باقی نماند باید نگاهی را توضیح داد اما ما در اینجا دیدنی انبساط همه جانبه و اهمیت کسوی شوروی ننشیم. ما در توضیح سرمایه گذارهای امپریالیست و تکنولوژی خارجی در این کشور میخواهیم به چند مسئله مختصرا نگاهی بسازیم. بنظر ما این بدیده ها از جنبه قابل توضیح اند بقیه در صفحه ۹



ماهیت حزب توده تغییر یافته یا ماهیت (اکثریت) فدائیان

آیا واقعا کار انترناسیونال دوم به پایان رسیده است؟ یا کاتوتسکی همزم ما رگس وانگلس ریزوئیونیت، دشمن انقلاب و نوکر پرولتاریا شده است؟ یا احزاب سوسیال دمکرات که بیش از ۳۰ سال نبود طبقه کارگر اروپا را رهبری کردند سوسیال امپریالیست شده اند و با آنطور که روزا لوکزا مورگ میگوید به یک لاشه

متعین تبدیل شده اند؟ واقعتا دشواری است. هواداران و اعصاب داده انترناسیونال دوم پرولتاریای انقلابی اروپا با جدتواری با این حقیقت روبرو میشوند. شرح است اما واقعتا دارد و چنین است که لنین فرسان میدهد: به هر کجا که سوده های نو هم زده نشیده در صفحه ۲

چرا رژیم جمهوری اسلامی بازماندگان شهدای سینما رگس آبادان را سرکوب می کند صفحه ۱۶

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

ماهیت ...

نسبت به این رهبران خاش وجود دارد و بدین ترتیب وجود ماهیت کزیه این دشمنان نوپای طبقه کارگر را توضیح دهد. کارشناسی و دیگران که اعلامیه را از مضمنا کرده و تعهد کرده بودند در صورت جنگ جهانی این جنگ را به جنگ داخلی بر علیه بورژوازی خود بدل سازند اینک یاروپی و رونیوگ بورژوازی خودی شده اند و چنین است که با بستن به هواداران آنان توضیح داد که این احزاب، احزاب سابق نیستند - کارشناسی دیگر ما رکیست سابق و رونیوگ نیست جدید خوانده میشود احزاب روسیال دمکرات دیگر به مراد بدل شده اند دیگر این احزاب گذشته ها نمیستند که طبقه کارگر را سیراب سازند. گندابی هستند که زوالهای بورژوازی تریبیت میکنند. نه مراد با جای گوزنها نیست جا بگه قوربا غه ها است. این است حقیقت تلخ این حوادث بارها در تاریخ تکرار شده و احزاب انقلابی به انقلابی بدل شده اند. باران دیرین انقلاب به دشمنان آن تبدیل شده اند. سازمان چریکهای فدائیی خلق بعنوان یک سازمان انقلابی در میهنمان برای توده ها آشناست. پوپاها، احمدزاده ها، مومنی ها، مهرنوش ابراهیمی ها، مرضیه عمدی اسکویی ها، نا بدل ها و ... ما می بینیم که چوچولوها می گویند که ما را بسوی دریا بیا بیا. انقلابیون دلاوری که هر چند بی تجربه، هر چند دارای اشتباهات، انحرافات غیر - پرولتری فراوان اما با عشق بی پایان به انقلاب و خلق کینه ای بی پایان علیه دشمن طبقه ای، جان - بازان شکنجه و تیرباران شدند و با خونشان سنگین تر غیابانها را رنگین کردند. آری سازمان این انقلابیون مارکسیست احترام بسیاری از توده های ما را جلب کرده است.

اما سازمان چریکهای فدائیی (اکثریت) آن سازمان انقلابی (ولی دارای انحرافات غیر پرولتری) نیست. فدائیان آن سازمان به توده های ما نداشتند، به خلق و انقلاب عشق میورزیدند، اما اکثریت فدائیان اینک از انقلاب و توده ها میترسند و با ما بورژوازی گریخته و میگویند دست در دست بورژوازی بر علیه توده ها و انقلاب توطئه کنند. ما پیش از این نشان داده ایم (در مضمیمه های بیگانه های ۵۷ و ۶۴) که چگونه فدائیان (اکثریت) به انقلاب خیانت کرده اند. در اینجا ما نمیخواهیم در این باره سخن بگوئیم فقط میخواهیم نشان دهیم که فدائیان را از یک سازمان انقلابی به یک سازمان ضد انقلابی در خود بر خود به "حزب توده" روشن کنیم.

شماره های کار را تا ۵۹ ورق بزنید. در مورد حزب توده فدائیان چه میگویند؟ هر چند این سازمان در مورد حزب توده بنامیه کارگزار روسیال امیریا لیم شوروی فاقد تحلیل مارکسیستی بود ولی اعلامیه داشت که حزب توده خاش و رونیوگ نیست است. میگویند بزرگ - ترین خطا ملی برای کمونیستهاست و ...

ولی "اکثریت" دنبال یکری تدارکات مقاماتی در کار ۶۸ و قبضا نمیکند:

"دنبال تحریکات گروههای تخریب و آشوب در روزهای اخیر موج جدیدی از حمله به نیروهای سیاسی و دفاعی سازمانهای فدائیی میریالیست و ترقیخواه آغاز شده است. این حملات بخصوص حمله

به دفتر "حزب توده ایران" یکبار دیگر تاسف میکشند ... (تا کنون زمان است. معالجه حمله به دفاعی سازمانهای سیاسی را محکوم میکنیم.)

حزب خاش توده حزبی که بنا می شود بر علیه توده و بسا مردم بر ضد مردم و بسا طبقه کارگر بر ضد طبقه کارگر عمل میکند. اکنون مترقی و فدا میریالیست میگردد. بر راستی ما هیت حزب توده عوض شده است؟ نه! هزار بار زنه. بی سیم با هم حزب توده بر علیه خلق گذرد. چنین کارگری، دهفانی و نیروهای کمونیست و انقلابی توطئه می کنند. در بورژوازیستکشان و نیروهای انقلابی با ارتجاع همدست میشوند (مثلا در اربابها می بر علیه با صلاح منافقین یعنی "معا هدین خلقی شرکت میکنند، مبارزه خلق کرد را به لیریا بنا نیست میدهند ... و دستان غرقه در خون رژیم جمهوری اسلامی را میبندند ... حزب توده کماکان همه توطئه های خود را بر علیه انقلاب و زحمتکشان و انقلابیون با جدیدت بیشتر ادامه میدهد و علاوه بر این حزب همچنان در خدمت به سوسیال امیریا لیم شوروی با تمام قوا میگوید.

پس حزب توده تغییر نمی کرده است این سازمان فدائیان (اکثریت) است که تغییر کرده و همون با حزب توده بر علیه خلق کرد، بر علیه زحمتکشان و نیروهای انقلاب و خلاصه بر علیه انقلاب سنگین شده است. و چنین است که حزب توده ای که پیش از این "خاش و رونیوگ - نیست" بود "کنون" "فدا میریالیست و ترقیخواه" نامیده میشود و اینک مقدمات را می چیدنا با اتحاد با حزب توده، متحدان کارگزار سوسیال امیریا لیمست روس کردند و سرافند انقلاب ایران متحد عمل کنند.

سخنی با هواداران اکثریت:

دوستان!

اکثریت شما هنوز چشم به سنت انقلابی فدائیان غرقه در خون و شهید و غمخواره، اما دوستان، این فدائیان آنان نیستند. کسانی که نام آنان را اکنون یک میکشند، رونیوگ نیستند می هستند که میخواهند طبقه کارگر و توده های خلق ما را به گاری ارتجاع ببندند. شما در عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی تحت فشار، زندانی، شکنجه و تیرباران قرار دارید و آنان مبلغ مرتجعین و بسندگان آن سازمان بورژوازی و نظیر کننده جناحیات ارتجاع میباشند. در شماره ۶۸ کار می بینیم که دوستان از شما هواداران را همین رژیم با صلاح فدا میریالیست و خلقی جمهوری اسلامی تیرباران کرده است. اما می بینیم که کمیته مرکزی (اکثریت) چه رفتاری با این سیدادگانه های ارتجاعی دارند. هنوز خون عزیزان ما فرا مرزحمید و عبیدالله قزل خشک نشده که سازمان فدائیان (اکثریت) همان سیدادگانه ها را ملجا و پناهاگه خود می سازند و همان سیدادگانه ها بر محبت می شناسند و بر علیه روزنا ما اطلاعات به "دوستان کل دادگاه های انقلاب" (؟) اعلامی ایران "پناه می برند و وقتیکه نه این کثیف ترین سیدادگانه ها را که خون دهها کمونیست و انقلابی دمکرات و زحمتکشان کرد و کارگران بیگانه و ... از در دیوار آن می چکد بر سمیت می شناسند و آنرا به حکمت می طلبند. این شما هستند که مورد آزار و اذیت و حتی تیرباران قرار می گیرید. اما رهبری رونیوگ نیست و قبضا به استا نسوسی قاتلان و شکنجه - گران شما می رود.

دوستان!

مرد جا بیوس و منطقی در دادگاهها و سلطانی حاضر بود. سلطان که دادمان میخورد این دادمان بدادمان تعریف و تمجید می کند. مردم منطبق در وقت دادمان سرود می سازد و آنرا موه بهیستی نامداد میکند. سلطان چون از خوردن دادمان سر میبندد و دستکشان را میبندد به لعن و دشنام دادمان می نشیند. مردم منطبق دادمان را بدترین طعام عنوان میکنند و بداند به آن منازارند. سلطان بر می آید و می گوید تو همین دودمه بهیستی دادمان را نشودی - مرد. و قبضا به میگوید نمیکند تو کزیه هستم و نه تو کزیه دادمان.

و اینک رهبری رونیوگ نیست فدائیان (اکثریت) میخواهد هواداران را اینگونه تریبیت کند. اما میخواهد توده های هواداران را بر اساس روحه ای چاکر منشا نسه در برابر بورژوازی برورش دهد.

اکثریت در بورژوازی توده خاش و رونیوگ نیست اطلاق میشد (بی آنکه ماهیت حزب توده تغییر یافته باشد) امروز رهبری رونیوگ نیست آنرا "مترقی" مینامند و به دفاع از آن بر می خیزد و می گوید که هواداران نیز چنین کنید و هر چه در مورد دادمان (اینجا حزب توده) گفتند. هواداران سیرنگار ما سید.

اما ما مطمئن هستیم که اکثریت فدائیان متعلق به خلق توده های روحه مبارزه حویا نه علیه ارتجاع حاکم می باشد و چنین است که با بستن با فاطمیت گفت دوستان این فدائیان، فدائیان سابق نیستند چرا؟ به این دلیل مشخص که سخنان سابق را نمی گویند.

آنان از انقلاب دیگر حرف نمی زنند و تحلیلها نشان در مورد حاکمیت (هر چند در گذشته سیرنگار ای انحراف بود) این نیست که امروز می گویند. سیاستشان در مورد شوروی، در مورد حزب توده به فقرا رفته است. این اکثریت فدائیان هستند که دیگر نظرات گذشته خود را بسود بورژوازی تغییر داده اند. هر چند تلخ است اما واقعیت دارد. فدائیان (اکثریت) تحت هدایت فرخ نگهدارها بتدریج در حال تبدیل شدن بیک گنداب کامل میباشند. دوستان، این گنداب و فدا میریالیست "قورباغه های خوشچینی" است (اصطلاح رفیق فدائیی شهید نابدل در مورد شوروی) و نه جایگاه ما کمونیستها و انقلابیون راستین. بگذار اکثریت فدائیان برای حزب توده مدح و ثنا بگویند و متحدان نوگری بورژوازی را انجام دهند. خلق قهرمان ما خاشانت رونیوگ نیستها را هرگز فراموش نخواهد کرد. اکنون نوبت شماست که با این خیانتها مرزبندی قاطع کنید. دوستان مراد با گلپای لاله را می بزمرد، به آن سیم میا ندیشید که میبکند با کم و پاک خوا هم باند، اما چون از مراد با گذر کرد، بسوی شغفش همه جا را آلود. سیم را بجای گذر از مسرداب باستانی از جنگل سرسبز انقلاب عبور داد! از مراد با بپزیرید!

توضیح و توضیح:

در بیگانه ۶۵، ضمن تجلیل از رفیق شهید زابیرانوف از او و بعنوان "بیگانه زکر" یاد شده است. با آوری می کنیم که رفیق یک کمونیست هوادار "خط ۳" بوده و وابسته به سازمان ما نمیشد.

هنجین در بیگانه ۶۵ صفحه ۸ ستون سوم سطر ۲۲ اشتباه چاپ شده "... با تمام نیرو خاشانت خود ... که صحیح آن "... با تمام نیرو و حقا نیست خود ... میباشند.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

شورای انقلاب ...

بقیه از صفحه ۳

کارآمدش، بیوسه درجهت منافع سرما به داران و سرکوب میاوزه، کارگران و زحمتکشان قدم برداشته و برمیآورد. بعد از قیام رهبری دولت به دست بازرگان (لیبرال) افتاد. و دیدیم که آشکارا از نظم گذشته پشتیبانی می کرد و نظام سلطنتی را بدون حکومت شاه منتها با همان قوانین و راه ورسم گذشته خواهد بود. رژیم جدید کوچکترین دستی به ترکیب سازمانی ارتش ضد خلقی نزد و همچنان آنرا برای سرکوب مبارزات مردم زحمتکش محافظ نمود. در دوره، بازرگان سودگرمبارزه عادلانه و برحق کارگران را کارخانه میگو، درخرم دره، زنجان به خون کشیدند. مبارزات کارگران میسکار در تهران، اصفهان و... به رگبار گلوله بسته شد و در نوروز، به عنوان عمده طبقه سرما به داران و رژیم حاکم، بمب های آتش زان و توپ و تانک به خلق کرده شد. رژیم با تمام توانش جهت سرکوب مبارزات خلق کرد. اقدام نمودن از منافع ملاکین و سرما به داران دفاع کرده و جلوی هرگونه تها و زیه ثروت سرما به داران را بگیرد. همین رژیم بود که کوچکترین قدمی در جهت معادله سرما به های سرما به داران و وابسته در ایران به عمل نیاورد و در همان ابتدای روی کار آمدنش، ۵ میلیاردره دال و امپه آنها دانا دعوی سرما به های کلانی که از ایران خارج کرده بودند، دوباره رجوخ صنایع و وابسته به امیربالیسم را به گردش در آورند و در مقابل، او مانا چیز کارگران بیکار را قطع کرد. وقتی که یکی از خواسته های مهم کارگران، معادله معجزات سرما به داران فراری بود، وزیر دولت با اصطلاح انقلابی در اجتماع کارگران رسماً اعلام کرد که "هرگونه مخالفت با بازگشت سرما به داران فراری، یک توطئه ضد کارگری است!!" ۵۷/۱۲/۴ و آشکارا از منافع سرما به داران فراری به دفاع برخاست.

همچنین در دوران دولت بازرگان بود که هرگونه نظا هرات سرکوب میشد، جنگهای برادگشی به خلق کرد، ترکمن، عرب، بولج و... تحمیل گردید و دهها شهید به جای گذاشت بعد از بازرگان، برای یک دوره، رهبری اوضاع به دست شورای انقلاب و حزب جمهوری - اسلامی افتاد. در این دوره نیز هیچ کاری صورت نگرفت و روال گذشته ادامه یافت. همان اوضاع قبلی دوباره تکرار شد. حمله به کردستان با شدت بیشتری آغاز شد. کتاب سوزا نها شروع شد و نظا هرات و اعتصابات به خون کشیده شد. بعد از این صدر رئیس جمهوری شد. کشتار کارگران ادامه یافت (اصفهان، اندیمک درود و...) و حمله به کردستان دوباره شروع شد.

اگر در بعد از قیام، همچنان قانون کار را بر مبنای در کارخانجات اجرا میشد و شورای با اصطلاح انقلاب و دولت انقلابی، کوچکترین قدمی در جهت تکویق این قانون ارتجاعی و ضد کارگری برنمیآورد، در دوره بنی صدر فدکارگری بجای آن باقی ماند.

در مقابل مبارزه و فشاری که کارگران برای سر قرار شدن ۴۰ ساعت کار در هفته انجام دادند، هم شورای انقلاب و هم دولت، این درخواست برحق کارگران را که به ضرر سرما به داران بود رد کرده و آنرا "توطئه عناصر ضد انقلاب در میان کارگران" جلوه دادند.

این رژیم و منجمه شخص بنی صدر، کوشش فراوان

بکار بردند تا از ایجاد شوراهای کارگری جلوگیری عمل آورند و برای این منظور سیستم شوراهای کارگری دولتی را تصویب کردند که شما ما دفاع از سرما به داران بود. اما هر کجا که کارگران آگاه میبودند و در نتیجه اتحاد بیشتری داشتند، رژیم نتوانست کاری از پیش ببرد. بنی صدر آشکارا در جهت دفاع از سرما به داران گفت: "شورای کارگران، شورا بورا مالند" ماده ۳۳ که اخراج کارگران را تحت هتروا بطی مجاز میداند، هنوز هم با برجات و رژیم عملاً آنرا اجرا در میآورد. سطح خوفناک و افغان به سخت هزینه رندگی، و گران می گمرنگی با پس است. رژیم کوشش می کند تا با همه مشکلات را بدوش کارگران بگذارد. توطئه لغو بود و زیه و برادر خت شما ۲ ماهه قوی بجای سود و زیه و عمده شان دهنده، دفاع آشکارا رژیم سرما به داران است. چرا بعد از گذشت بیش از ۱۷ سال از قیام، هیچ نتایجی در زندگی ما کارگران حاصل نشده است؟ چرا دهگان بی زمین میباشند؟ چرا زمینداران و سرمایه داران بزرگ طلب مالکیت نمیباشند؟ چرا سرما به های امیربالیستی معادله نمیآورد؟ چرا قروض با نکجا راه امیربالیستی برده است؟ می کند؟ چرا کارگران مبارز و آگاه را زندان می اندازند؟ چرا شوراهای کارگری و سندیکا های واقعی را برهم میزنند و جلوی کار آنها را میگیرند. آزادی های سیاسی چه شد؟ چرا دوباره، خواندن اعلامیه ها حرم زندان و شکنجه دارد؟ جواب همه این سوالات را با بدرمایه هیئت این رژیم میدادند.

همه اجزا، هیئت حاکمه، چه دولت چه شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی، همه دشمنان قسم خورده کارگران و زحمتکشان حاکم معادله بود و چهار رتشی از منافع سرما به داران دفاع میکنند.

این هیئت حاکمه میخواد همه میخواندند به در خواسته های کارگران و زحمتکشان پاسخ دهد. زیرا اینان به نمایندگی کارگران و مردم زحمتکشان، بلکه نماینده سرما به داران و زمینداران هستند. و برخی از آنها نماینده و بزرگ امیربالیستی می باشد (کسانی مانند بهشتی، قطب زاده، آیت، مدنی، سردی، و...)

درون هیئت حاکمه عمدتاً دو جناح وجود دارد. یکی جناح به اصطلاح لیبرالها، رهبری بنی صدر و دیگری جناح حزب جمهوری اسلامی، اولی بیستردار است. در ادارات دولتی، و وزارت خانه ها، قدرت و نفوذ دارد و دیگری در سازمانها، نهادها، انجمنها، انقلاب، شورای انقلاب، مجلس شورا و غیره. اینان هر یک سعی میکنند دیگری را از محیط قدرت کنار بزنند و خودجای آن را بگیرند. اما هر دو، خواهان سرکوب مبارزات کارگران و مردم زحمتکشان میباشند و در این زمینه صدر مدعیان هم موافقت، منتها یکی سیاست در سرکوب، چماق و تانک شیری است، و دیگری، تنها سیاست چماق و سرکوب خونین و کور را در نظر دارد. اما هر دو آنها به شیوه خودشان سعی می کنند "تطمین" و "امنیتی" در جامعه بوجود بیاورند که تحت این نظم کارگران و زحمتکشان بیشتر است تا ریشوند و سود بیشتری به جیب سرما به داران برود، یعنی هم جناح بنی صدر و هم جناح حزب جمهوری اسلامی هر دو در دشمنی با طبقه کارگر و مردم زحمتکشان و جدت نظر عمل دارند. تصویب قانون جدید، یعنی لغو سود و زیه نیز جدیدترین اقدام ضد کارگری آنها است.

بقیه از صفحه ۳

لغو سود و زیه ...

نوجه به اینکه اعتراض کارگران را علیه لغو قانون بود و زیه تا کز بر می دید، اولاً برای سوء استفاده از این اعتراضات بر علیه جناح دیگر و تضعیف آن و ثانیاً به احراف کشاندن مبارزه کارگران و مسرفی جلوه دادن خود، دست به کار شده است.

مگر حزب ارتجاعی خلق مسلمان، به رهبری شریعتمداری نبود که از حرکت اعتراضی مردم فهیمان سیریز می خواست به نفع خودش استفاده کند و جناحی دیگر قدرت را صفت سازد. این بار نیز حزب جمهوری اسلامی است که از حرکت اعتراضی کارگران می خواهد بیشتر - بن استفاده را به نفع خود بکند.

اما اینان کورخوانده اند. زیرا با توجه به افشاگری کارگران آگاه و مبارز و سازمانهای طرفدار طبقه کارگر، یعنی سازمانهای کمونیستی، این نقشه های ارتجاعی نقش بر آب خواهند شد.

همانطوریکه کارگران در عمل بیان داده اند، استیاضا ریزها را ادا به خواهند داد. کارگران مبارز، با افشای این توطئه ضد کارگری، یعنی لغو قانون سود و زیه، با افشای حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی که در جهت بهره برداری از این نارواستی به نفع خود میباشند، با افشای انجمن های اسلامی که چشم گوس حزب جمهوری اسلامی در کارخانجات می باشند، در جهت جلوگیری از به احراف کشاندن مبارزه کارگران بکوشند.

شوراهای فلابی انجمنهای اسلامی متحیل باید کرد تا بود با توطئه های هیئت حاکمه بر علیه کارگران و زحمتکشان زنده با اتحاد همه کارگران ایران برای لغو قوانین ارتجاعی

بقیه از صفحه ۳

اعلامیه سازمان ...

اسلامی در رابطه با ارتش ضد خلقی و سرکوب خلق کرد، دستگاه اداری و ساواکی ها، کارگران بیکار و سرما به داران اشاره کرده و در آن آمده است:

رژیم جمهوری اسلامی برای تا مین منافع سرما به داران هیچ راه دیگری نداند جز اینکه با افزایش قیمت اجناس (حی حیاتی ترین آنها مانند گوشت و نان) و با کم کردن حقوق و مزایای کارگران، سطح زندگی کارگران و زحمتکشان را به بندت با شین بساورد و آنها را به روز سیاه بستاند. در پایان سال گذشته رژیم کوشش کرد با قطع سود و زیه کارگران به جیب برآورد سرما به داران خدمت بیستری کند ولی از آنجا که در آن زمان مبارزات کارگران از سطح بالایی برخوردار بود موفق نتوانست کار را بطور کامل انجام دهد و فقط توانست در قسمی جاها که سطح مبارزات کارگران با شین بود و کمتری به آنها برسد زود در پایان سال تعداد بسیار زیادی از کارگران آگاه و مبارز کارخانجات را بسرو کند. بهشتی، عضو شورای رهبری حزب جمهوری اسلامی و عضو شورای انقلاب در همان زمان طی مصاحبه ای گفته بود که سود و زیه طاغوتی است و با حذف سود دولتی حالا، زمان آن نیست و به این تشریب لغو سود و زیه را به "زمان مناسیتر" موقوف کرده بود.

بقیه از صفحه ۱۴

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

دشمن

بغض از صفحه ۵
با استغفار از ریش، با ساداران و جاسپا، ملامت طلبه خانه کردید! آغاز زند، آنها محلات را محاصره کرده و سپس وحشیانه منازل مردم هجوم می آورند. در هر خانه ای که قفل بود یا رگبار کلوله و قسدانی اطلحه را میسند. خانه ها را زبر و زبر میگردند تا به قول خودشان عناصر ضد انقلاب را با کماری کنند. در منازل بدستال افراد مبارز و انقلابی بودند، و هرگاه کسی را می یافتند، بدروما درها را بعنوان کروکان دستگیر میکردند. سه اینترتیب صدها نفر از جوانان و مردم شهر را زودگان کم سن و سال گرفته تا افراد مسن، دستگیر کردند و مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. جرم اکثر این عده ها معلوم نیست. در آوردی مردمی از افراد راه جرم همکاری با سلاح با صلاح "عدا انقلاب" دستگیر کرده بودند. دخترانی که شلوار کردی به یاد داشتند به جرم "عدا انقلاب" و "اترار" شدت مورد توهین و آزار قرار می گرفتند و چندین نفر از آنان در همان روزهای اول بدون هیچگونه محاکمه ای به دستور حجت الاسلام هادی غفاری به تیرهای اعدام بسته شدند. غفاری در پاسخ بعضی از پرسشگران که می آید این امر اعتراضی کرده بودند گفت: "این دخترها کمونیستند، آنها فاسدند و اغلب آنها فرزندان با مشروع و ارتداد و اعدای ما اند و اعدای ما با واجب است. این است کثافتی که از دهان نمایندگان "خط امام" رژیم جمهوری اسلامی که مغزهای غلیل و دسپهای خونیست در کشتار خلق مجروح می کنند، بیرون می آید. این دختران و زنان اغلب مبارزین جوانی بودند که در زیر گمبار کلوله ها به مذاق ای زحمان و مجروحین جنگ می بردند. آنها مبلغین بیرونی بودند که در خلال جنگ، توده ها را آموزش میدادند. آنها غذای اهالی محله و پیشترگان را بهیچ وجه نپوشیدند. آسمان فخر ما را نخواستی بودند که بدون کمک آنها ما و مسدولیا به شهر سنج می آمدیم. و آن وقت هادی غفاری این شعبان بی مح رژیم جمهوری اسلامی به آنها اتهام "فاسد" می زد، سنگ و بفرست بر ما داد! خفتان و احتیاج در شهر پیدا میکنند، بعد از افرادی که دستگیر شده اند پس از ازاره است. بطوریکه دستگیر زندانیان جانی ندارند، بعضی از زندانیان راه پیر-هایی چون شهران و کرمانا سدرای محاکمه فرستاده اند و بعضی دیگر را با صامت آزاد میکنند. اما از اعدای ما روز بروز افزایش می یابد. اعدای ما را در دسته های ۵-۴ نفری انجام می دهند. برای این اعدای ما هیچ گونه دادگاهی تشکیل نمی شود. و مدت محاکمه از رسم ما تحت نظر رسمی است. کامیابی است جانی که از این دهده گفیلان نخی را در نظر هرات و با ایمان کسی را با اطلحه در حاکمان دیده است. این به معنی حکم اعدام محض است. حاکمان اعدای زندگان را به احوال خود نمی دهند. و در صورت موافقت آنان، باست دادن حاکمان دولتی را در دست میسند و احوال خود را بهیچ وجه نمیسند که حق برقرار می هیچ گونه مجلسی بر حرم را نخواهند داشت. با کتون آمار رسمی اعدای ما در سنج چنانچه از ۲۰۰ نفر گزارش شده در حالیکه آمار غیر رسمی حاکی از اعدام بیش از اینها می باشد.

مردان و بیوران سرسخت مورد آزار و شکنجه قرار می - گیرند. جاسپا و ساداران، به سوسه های ساواک زندانیان را کتک زده، آنها را به زنجیری می بندند. می سوزانند و بر سر میات منت و لکند و تنگ می گیرند بعضی از رفقای سیری که بعد از آزاد شدند، در اثر شدت ضربات وارد جانی آدرس خانه های خود را و نام و بدران مادران را فراموش کرده بودند.

هیچ غایبی در حاکمان امنیت ندارد. جندی پیش دوکار زکر، که در میدان آزادی سنج برای جستجوی کار میسند و بیسندون هیچ دلیلی، مورد تیراندازی با ساداران قرار میگیرند و به شهادت میرسد و ساداران مردود در پاسخ به این سوال که چرا تیراندازی کردی میگوید: "آنها دستان راه جیبشان بر دندون من فکر کردم که می خواهند با رنگ بر ما کنند؟! روزها نشی که یکی از مردوران ارتشی، با ساداران جانش، بدست نیروهای افغانی معدوم میسوند. اکثر مغازه ها را به زور با سلاح تعطیل میسند و مردمان را جاسپا به نظر هرات دعوت میسند. در این نوع نظارت معمولاً به جرم چند ده نفری که حاکم میسند و با محاکمه کارند کسی شرکت نمی کند و اغلب شرکت کنندگان آن خود جاسپا، با ساداران و ارتشی هستند.

اخیرا جانش جمهوری نام "عبداللله حاکمان" معروف به "عنه ما ره"، در سنج طی یک درگیری با پیشترگان مجروح و کشته شد. و ادو سنج و روزنامه جمهوری اسلامی که مدافعین سرخ جاسپا استرگان ملتان کرد هستند، با آت و بات شرکت کنندگان در نظارت راه را داده هرات را بر سر مردم سنج حواستند. در حالیکه بعد از شرکت کنندگان سنجی که اکثر آنها به زور بر سر راه نظارت کشته شده بودند به چند صد نفر هم می رسد ساداران، جاسپا و ارتش در حاکمانها سوار میسند. و مردم آنها می خندند. مردم سنج آرزو را با سربک مرک "عنه ما ره" حاکم میسند، و دشمنان آنها به و نظرمحکمی عزاداری می کرد!

کارگران، زحمتکشان و توده های انقلابی و مبارزان ایران!

ظهور فوق العاده کوچکی از جاسبات رژیم جمهوری اسلامی در کوه های از کردستان، در شهر پیرمان سنج است. رژیم آنها نمی گوید، خود را فاتح نشان دهد اوسعی میسند و ده های نا آگاه ها بر مناطق ایران را فریب داده و جنگ خمیلی کردستان را جنگ مسان کفار و "مذنب" میسند. آنها با کمک دشمنان میسند که هفت جا که ایران پس از سر، آت اللله حاکمینی، مسطری، جمران، فلاحی و... در این حمایت سپیم هستند. آنها سعی میسند با کمک بیرون آکا می بخش وسیعی از توده های خلق، جاسپا را که در کردستان انجام می دهند و جنگ بی رحمانه ای را که به بهانه طبع سلاح عمومی و جنگ با عراق آغاز کرده اند لایوایی کنند.

اما در مقابل، خلق دلاور کرد و پیشترگان پیرمانش در کوه و شهر ما زره میسند. روزی نسبت که خیر از ضربات موفقیت آمیز پیشترگان خلق منتشر میسود، هسه های مقاومت در شهرها و بویژه شهر سنج همرا با ضربات نشان پیشترگان خواب و آزارش را بر سر میسند. دشمنان حاکم کرده است. توده های مبارز سنج با عزمی راجح نیرو آکا می هر چه ستر از ما هیت رژیم ضد خلقی و با تجاری که از جنگ قبلی کسب کرده اند، میروند تا حرکت توده ای را در جهت افتا و مقاومت در برابر فریاد متخاصمان را که سپید، رژیم ما بدستواند

چند صا جی شهرها را به اسمال در آورد و به جاسبات سی- رحمانه و غیر انسانی خود ادا می دهد. لشکر کردستان اس دزیولادس مبارزات دموکراتیک و دمابریالستی خلق را نمی توان سخر کرد. سکا رزمی جاسبات خوش ما هیت گریه و بغرت اکبر خود را هر چه بیسره نمایش بگذارد، بالاخره بیروزی آن خلق و سقوط از آن ضد خلق است.

توده های انقلابی، سازمانهای مترقی و انقلابی

خلق دلاور کرد با یک بهشترا زهر زمان دید که احتیاج به حمایت انقلابی شما دارد. شما وظیفه دارید. بر علیه اعمال جاسپا را نه و غیر انسانی رژیم در کردستان، فریاد اعتراض بلند کنید. با حمایت مادی و معنوی از جنبش خلق، با یختر اخبار جنبش مقاومت و افتا کسری حول اخبار کردستان، نوظئه سکوت را در هم بکنسیم، و توده ها را حول حمایت از جنبش مقاومت خلق کسرد برای افتا کسری، نظارت و کمکهای مادی و معنوی، سازمانهای کنیم.

بیروزی خلقهای ایران در گروه همبستگی و اتحاد مبارزاتی آنان است!

سرفرا را بدینگونه مبارزاتی خلقهای سراسر ایران بیروز با دمبارزه حق طلبانه خلق کسرد و خلقهای تخت ستم ایران!

سرفرا را بدو دمخاری خلقها در جرحوب ایرانی مسدل و دموکراتیک!

سازمان سکا در راه آزادی طبع کارکر (کمیته کردستان) ۵۹/۵/۲۰

بغض از صفحه ۵
روز به روز...

ساک ارتشی ده "لالان" اواقع در ده کیلومتری جاده سوسه- ننده (را محاصره کردند و با ایجاد درعب و جنت، به جاسپا حاکمان سی دفاع روسا، سورس برده و در حدود ۳۰ نفر را سارت خود در آوردند. آنها دشمنی آسکا خود را با حاکمان با اعمال وحشیانه ای ما سدیست سنگ به یکم و آت سالی مردان، سی بوده - سربها سرت گذاشتند. در این حمله سکتای ارتش به جاسبات از ساداران به بیستوی برداختند اما سرتی سا کودک سرخوا را به تن جلوی سکتا دراز کردند و آنها را وادار به سوخت نمودنشان داد که خلق جاسپا به مقاومت میسند!

۵۹/۵/۹: آشنویه

مردم دشمنان خود را در رهبر لاسی میسند تا سند در ساعت ۹/۵ صبح تیورای شهر، هسات حسن نیست و بخندار شهر آشنویه منظور عوام فریبی و منحرف کردن مبارزات مردم، اعلام خصمن ورا همیاش میسند. اما در سخنرا سبهای اس مراسم که با سلاج به منظور اعتراض به عملکرد ساداران و ارتش بر پا شده بود، مردم راه طبع سلاح دعوت نموده و آنان را از هجوم ارتش و با ساداران میسند. اما مردم شهر که متوجه میسوند این نمایشات به منظور طبع سلاح آنان بر پا شده است با عصانیت از مسخدارج کشته و جاسپا را هیماشی بر علیه نیروهای سیاسی و پیشترگان پیرمان خود میسند و به سبب یکبار دیگر خلق پیرمان کرد آکا می خوشی را که در درون مبارزهای تخت بدان دست با فته است، نشان میسند.

درود سر خلق پیرمان کرد!

با سنده با دشمن مقاومت کردستان

بنیادسبت ۱۴ مرداد:

جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران (۲)

کودتای ارتجاع محمد علیشاه و خیانت های سازشکاران

محمد علیشاه و درباریان مرتجع وی که سرما زشی با "رهبران" مشروطه نداشتند و به پیروی از اربابان امپریالیست روسی سیاست سرکوب تمام عیار را برگزیده بودند از همان آغاز حکومت در تدارک توطئه و سنگ - اندازی بر علیه مجلس شورای ملی و در جهت خفه کردن مبارزات انقلابی در نقاط مختلف کشور و یوسوزده در آذربایجان میکوشیدند. پس از مدتی محمد علیشاه رسماً ارتانیک معزول دعوت نمود تا از خارج به منظور اشغال مجدد پست وزارت به ایران آمده و ما موریت سرکوب بی امان انقلابیون مشروطه خوا را برعهده بگیرد. از جانب دیگر با زنگارانی همچنان سرگرم اخلال در کار انقلابیون و با زدن تندی نوده ها از حرکات انقلابی بودند. با ورود مجدد تا یک فعالیت فرامحتمنی چون شیخ فضل الله نوری افزایش یافت.

انقلابیون در مقابل تا کنکها و روشهای سازش - کارانه را نه رهبران جنبش مشروطه همچون سبها سبها و طباطبائی ها مستفیفا به شیوه های انقلابی و قهرآمیز مبارزه بر علیه ارتجاع متوسل میشدند. در تریبسیز دسته های فدائیان موجود آمده و "مرکز غیبی" سرگرم صلح ساختن مردم بود. کمکهای انقلابیون ففکار (سوسال دمکراتها) افزایش می یافت. اوسلح انقلابی بر سر بزخا کم بود و مردم قهرمان این شهر به استقبال و پشتیبانی از دسته های صلح مشروطه - خوا ها و مجاهدین انقلابی آمده فقام می نمودند.

جنايات محمد علیشاه و مزدوران او با عت تشدید مبارزات توده ای میگردید. قوا دادا نا رتبار ۱۹۰۲ که حاصل توافق میان امپریالیستهای روس و انگلیس بر تقسیم ایران بود پیش از پیش ختم او اعتراضات توده ای را دامن زد. توطئه های دربار با بکارگیری دسته های مزدور صلح و غیر صلح بر علیه انقلابیون مشروطه خواه اوج گرفت. در پی این اوضاع و احوال انجمن تبریز که از ماهیت انقلابی پیگیری برخوردار بود طی مخا بره تلگرافی به همه شهرها محمد علیشاه را ا تسلطت خلع نمود. این کار از جانب انجمنهای بسیاری از شهرستانهای دیگر نیز تکرار شد.

بالاخره محمد علیشاه برای تکمیل توطئه های سرکوب خود به منظور انجام کودتای عدانقلابی بر علیه مشروطه خواهان بهمانجا رفت و فتنون خود را کسه با ارتکابهای فزای روسی تحف فرمادھی لیا خوف در راس آنها بودند برای سخر مجلس کسبل داشتت. مجاهدین و فدائیان صلح و بسیاری از توده های مردم در مقابل مجلس در میدان بهارستان اجتماع کرده و آمده دفاع بودند. اما سناکها ن آت الله طباطبائی همراه عده ای دیگر از "رهبران" ارتکار به تدارک فیه و ا اصرار مردم را مغرور ساختند. در نتیجه هکسام سررسیدن فزاتان ارتجاع سبها عده کمی از مجاهدین صلح در آنجا نافی مانده بودند و بعد از سرزدختنی تا کرسر به عت نشینی کردند. کودتای محمد علیشاه با مبارزان مجلس به پیروزی رسید و مشروطه خواهان در جارتکتسختی گردیدند.

قیام تبریز و تسخیر تهران

در تبریز کار ملامت وضعیت انقلابی برقرار بود و انقلابیون صلح جان برکف با حمایت کامل توده ای به مبارزات خود شدت بخشیدند و جنبش انقلابی را به پیش میبردند. آنان چندین بار دسته های ارتجاعی حکومت نظیر دسته رحیم خان مرتجع و فتنون حکومت محمد علیشاه و بارنگار دفرای را شکست دادند. در جریان مبارزات

- تحریک تلخ خلع سلاح مجاهدین مشروطه توسط سازشکاران به قدرت رسید به خوبی این واقعت را نشان داد که توده ها تنها به اتکا نیروهای صلح توده ای قادرند قدرت سیاسی بدست آورد و مرا حفظ نمایند.
- انقلاب مشروطیت نتوانست به پیروزی برسد چرا که نظام اقتصادی - اجتماعی نیمه فئودالی و تریبسیز نفوذ و سلطه امپریالیست ها را بر میبندید. مادست نخورد به باقی گذاشت.

قهرمانان شهر تبریز مجاهدین چون سارخان و باقر - خان که از میان توده ها برخاسته بودند در تاندنهای فراوانی از خود بیروز دادند و از محبوبیت توده ای گسترده ای برخوردار گردیدند. حمایت بدمدر صلح انقلابیون ففکار و حتی شرکت فعال بسیاری از کمونیستهای ففکار در عملیات مسلحانه تبریز باعث افزایش چشمگیر توان قیامگران تبریز شد. دسته های فدائیان صلح به همراهی مردم توانستند در دادخانه بزرگ شهر تبریز را فتح کنند. این واقعه در تاریخ مبارزات آزادیخواهان خلق از اهمیت بسزایی برخوردار بود.

قیام تبریز باعث رشد جنبش انقلابی در سایر شهرها و نواحی نظیر اصفهان، خراسان و گلستان گردید. ارتجاع که جنبش تبریز را مرکز انقلاب ایران تشخیص میداد به محاصره افتاد و این شهر قهرمان دست زد. اما مقاومت جانانه انقلابیون صلح توده های مردم تا مدت زیادی بوزها مجسم را به خاک می مالیدند.

دولتهای امپریالیستی روس و انگلیس تا به ادرانجام توطئه های تریباری فراوان میرساندند. پس از گسترش و تحکیم موقعیت انقلابیون در تبریز و گلستان و تریبسیج مردم با برتقاط بر علیه حکومت، تریابط برای حمله به تهران و تسخیر پایتخت مهیا گردید. ابتدا این کار توسط فدائیان صلح تبریز شروع و سپس انقلابیون گلستان و سایر نواحی نیز حرکت خود را بسوی تهران آغاز کردند. آنان پس از تریبدهای سخت با فزاتان محمد علیشاه، بالاخره در ۲۲ تیرماه ۱۲۸۸ پس از شکست فتنون فزاقان و ادرتهران شدند و مجلس را به تصرف درآوردند. سازشکاران تا مثل اشرف لیسرا ل، روحانیون و مجتهدین متنفذ و بسیاری از آنها تکی که خود را مل پیروزی کودتای ارتجاع بودند مجدداً با فریبکاری خود را در صفوف مشروطه خواهان جا زدند و در اشرفان رهبری واحدا انقلابی بر خستش و عدم آگاهی توده ها توانستند بروج جدید مبارزات نیز سوار شوند.

پس از فتح تهران بلافاصله حکومت ملاکس لیسرا ل، روشنفکران لیسرا ل و خوالین بختیاری با حمایت وسیع روحانیون مرتجع تشکیل شد. آنان رژیم استبداد فئودالی را دست نخورده گذاشتند و ما شکل انقلاب را حل شده و نمود کردند. آری از نظر این خاشین انقلاب دیگر به پایان رسیده بود و حتی در آن زمان به - روی شده بود!

یکی از اقدامات غیبتبار حکومت سازشکاران مرتجع پس از فتح تهران دستور صلح سلاج دسته های صلح انقلابی بود. صلح سلاج انقلابیون در واقع جنبش مشروطه از مهمترین تکیه گاه خود محروم گردید. این نکرار تاریخ است که هرگاه سازشکاران و فتنون انقلابیون به برکت مبارزات توده ای به حکومت میرسند بلافاصله در مقابل توده ها قد علم میکنند و صلح سلاج عمومی را در دستور قرار میدهند. چنانچه پس از قیام بهمین ما نیز دولت ففکاری با زنگارانی بلافاصله به صلح سلاج توده های صلح که با قیام مسلحانه خود بنیان بوسیده سلطنت را از زگون کرده بودند اقدام نمود که البته در این کار موفق نشد.

- تحریک تلخ خلع سلاح مجاهدین مشروطه توسط سازشکاران به قدرت رسید به خوبی این واقعت را نشان داد که توده ها تنها به اتکا نیروهای صلح توده ای قادرند قدرت سیاسی بدست آورد و مرا حفظ نمایند.
- انقلاب مشروطیت نتوانست به پیروزی برسد چرا که نظام اقتصادی - اجتماعی نیمه فئودالی و تریبسیز نفوذ و سلطه امپریالیست ها را بر میبندید. مادست نخورد به باقی گذاشت.

بدین ترتیب انقلاب مشروطیت ایران عملاً دچار شکست گردید و فئودالها و ملاکان و اشرف و روحانیون مرتجع تریابط را برای کودتای ۱۲۹۹ را فزاقان میرینج فراهم کردند به طوریکه دمکراتی بسیار ناقص و نیم بند حاصل جنبش مشروطیت نیز (که حاصل ناتوانی حکومت در سرکوب جنبش بود) برچیده شد و بدین توری ففکاری رسماً به دور جدیدی از حکومت ارتجاع را پایه گذاری نمود

درس آموزی از انقلاب مشروطیت

جنبش مشروطیت ایران یکی از جنبشهای با شکوه مدعشودالی - فداستعماری خا ورومیا نه بشما میرفت و این جنبش در شرایطی به وقوع پیوست که هنوز طبقه کارگر ایران به طور محسوس به با عرصه وجود نگذاشته بود و جنبشهای ففکاری نیز اغلب برآکنده و بدون سازمان ندهی ویرسانه به طور خود بخودی اتفاق می افتادند. پیروزی ملی ایران در ضعف تاریخی و از رهبری انقلاب پیروان - دمکراتیک ناتوان بود. اینها همه باعث میشدند تا رهبری مبارزات توده ای بدست روحانیون بزرگ، اشرف و... که نه تنها هیچ میانهای با انقلاب نداشتند بلکه عمیقاً از گسترش جنبش توده ای دروخت بودند به فتنه. البته در مناطق شمالی ایران، به خصوص در آذربایجان بدلیل تا تریبدهی از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و نیز بزخا طریجهت جرت و رفت و آمدهای جمعیست زبادی از آذربایجان به آنها به منظور کار در کارخانجات و بنا در ففکار روسیه و در نتیجه انتقال ستن مبارزاتی جنبش کارگری روسیه به ایران وضع بر متوال دیگری بود. در اینگونه مناطق رهبران با کفایتی از میان دهقانان و ففکاری زجتگهان شهری برخاستند و سازمان رهبری مبارزات توده ای را در دست گرفتند. به خصوص کمونیستهای دلاوری نظیر حد رحما و غلی، علی موسو و... که غالباً با انقلابیون روسیه و سایر حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه در ارتباط بودند نتوانستند رهبری جنبش مشروطه در آذربایجان را از کف سازشکاران لیسرا لها، اشرفانها و روحانیون بزرگ بیرون آورده و توده های مبارزان انقلابی را سازماندهی و هدایت کنند. جنبش مسلحانه و قهرآمیز بر علیه دولت مرکزی اولین بار رویش از هر جا در تبریز قهرمانان جوشید و فقا و تا ما هوی و آشکارا شیوه های انقلابی مبارزه با شیوه های ففاریستی و سازشکارانه رهبران دروغین انقلاب مشروطه نظیر سبها تکی ها و طباطبائیه

بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۱ فلسطین ...

و امثال او هم می دانند و تکرار می کنند و لیبی خودشان کاری جز سوء استفاده از این قضیه ندارند سیدهدی را ما همیدارای آنجا جنس اقتصادیکند. اگر به نیکات زیر سوچه کسم عمق دروغ و تزویر و ربائی که سران جمهوری اسلامی حول قضیه فلسطین برآه انداخته اند خوب روشن می شود:

۱- رورقدس، روز جمعه آخر ماه رمضان، در سال گذشته از سوی آیت الله خمینی پیشنهاد دوبرگزار کردن و هیچ خطی با مبارزات فخرآمیزانه خلق فلسطین و ناشی از آن رخ برآوردن و خون این خلق دلاوردارد. انتخاب چنین روزی بی دلیل نیست، سران رژیم جمهوری اسلامی عقیده دارند که چون مبارزات خلق فلسطین و انقلاب آن بر مبنای اعلامیت نیست، اصلاً نامساعد آنرا قبول داشت. توضیح اینکه، انقلاب فلسطین انقلابی است ملی - دموکراتیک و ضد امپریالیستی که میگوید از طریق مبارزه مسلحانه نبوده است، ارتش و قدرت دولتی صهیونیستیهای نژادپرست را درهم شکسته بر سرآوردن آن.

آنطور که خود از سال ۶۸ اعلام کرده اند "جمهوری دموکراتیک فلسطین را که در آن مسیحان و یهودیان و مسلمانان بتوانند آزادانه در کنار یکدیگر زندگی کنند، برپا نماند." از سوی دیگر، در چنین فلسطین، حتی در خود سال زمان الفتح، عناصر کمونیست هم فعالیت می کنند و سران جمهوری اسلامی با این استراتژی انقلابی موافق نیستند، به همین دلیل رهبران جمهوری اسلامی از انقلاب فلسطین پشتیبانی کامل و عملی نمی کنند و تلاش می کنند که جبهه های فلسطینی و لبنانی را از صحنه ببرد و طرد نماید. آری ما بهیت انقلاب فلسطین، دموکراتیک و ضد امپریالیستی است ولی رژیم ایران، بنا بر ماهیت خود اینرا دوست ندارد! ۲- در پیام آیت الله خمینی بمناسبت "روز قدس" و نیز در پیامی بنی صدر و روحانیت و بهشتی و مباحی چنان بهمین مناسبت در تلویزیون، اگر سوچه کنند کلمه ای از انقلاب فلسطین نمی بینید و همه تا کیدها روی "قدس" بعنوان قبله اول مسلمین و... است.

۳- سران رژیم جمهوری اسلامی از "مردم مسلمانی فلسطین" سخن می گویند و این حقیقت تاریخی خلق فلسطین را که کلیه رهبران جنبش مقاومت و ملت مسلمانان استثنای آن تا کید کرده اند که در آن سرزمین مسلمانها و مسیحیان و یهودیان زندگی می کنند متکرر می شوند. آقایان خواب یک انقلاب اسلامی "را برای فلسطین می بینند و تکرار می کنند که انقلاب اسلامی را با بدیه جهان سویزه فلسطین "ما در" کرد این خطری است برای وحدت خلق فلسطین که ما با بغا در مقابلاتی نیست بدان هتادار داده ایم و خود فلسطینی ها از تفرقه بین مسلمانان و مسیحیان فلسطین میمانند. این تفرقه اندازی و مسلمان خواندن یکبارجه خلق فلسطین خدمتی بزرگ به اسرائیل و امپریالیسم امریکانلقی میشود. این توطئه چندبار از سوی برخی نیروهای ارتجاعی منطقه (نظیراخوان المسلمین) ادا من زده شده ولی همواره در نتیجه هتایری خلق فلسطین خنثی گردیده است. فلسطینی ها مبارزه شان برای رها نشی مین رادر چهارچوب وحدت ملی دنبال میکنند ولی سران جمهوری اسلامی که قصدشان دست انداختن بر جنبش فلسطین و با مطلق "مدور انقلاب اسلامی" است عمداً و بنحوی مودبا نه تفرقه بین مسلمانان و مسیحیان فلسطین را ادا من زده و بدتر از آن، خواسته اند چنین موضعی را به رهبران مقاومت فلسطین تحمیل کنند. البته این کوشش همواره از طرف مسئولین

فلسطینی که به ایران آمده اند رو شده است. هائسی - الحسن، سفیر سابق فلسطین در تهران بارها تا کند نمود که یکی از ویژگی ها و افتخارات خلق فلسطین این است که مسیحیان آن، دوما دوش مسلحان در برابر اسرائیل لکران مقاومت کرده اند. همچنین سعادتاقبل سوچی از رهبران و مسئولین فلسطین، مسیحی هستند ۴- رهبران جمهوری اسلامی، علیرغم اذیت و ادعای کمک به فلسطین، امروز کوچکترین کمک مالی یا تسلیحاتی یا تبلیغی به انقلاب فلسطین نکرده اند چند ماه پیش رورسا هم جمهوری اسلامی در صحنه اول خود با تیزه زدن نوشت: "ایران ۳۰ میلیون دلار به فلسطین کمک کرد!" منافقانه بسیار کم اندکسانی که بداند این خبریکه دروغ بزرگ است، اما حقیقت قضیه چه بود؟

دربگ رورسا هم غیر معتبر اما مرات متحده عربی از قول با سرعفات نقل شده بود که "ایران معواست ۳۰ میلیون دلار به ما کمک کند ولی ما نپذیرفته ایم." ولی دروغنامه جمهوری اسلامی خبرا اینطور نقل کرده بود که ایران ۳۰ میلیون دلار به فلسطین کمک کرد! در یک کلام با بدگفتی که سیاست رژیم ایران در مقابل فلسطین جز سیاست سوء استفاده نیست. دولت جمهوری اسلامی هم مثل دیگر رژیمهای ارتجاعی منطقه برای کسب آبرو و پیش ملت خودش برای مترقی نمائی، فلسطین را وجه المصلحت قرار داده است. هر وقت منفعش با ندادن کمک به فلسطین - البته بدون برسمیت شناختن انقلاب و جنبش فلسطین بلکه بعنوان مصلحتان آواره و قدس - دم میزدند و تا کید که به نفعش نیست توجیهی اصلاً قضیه ای بنا بر فلسطین وجود خارجی ندارد. برای نمونه: برای "روز قدس" یا ما یکسده فلسطین چند ما حبه تلویزیونی ترتیب میدهند ولی در ما لگرد انقلاب در جنبشها و منافقانه های ملی و انقلابی فلسطین (نظیر اول ژانویه، سالگرد تبریک کرامه سینا میرسا و...) بنا می از فلسطین به میان نمی آورند. آخر این منافقانه های ملی است نه اسلامی و بنا بر این در جمهوری اسلامی تا پسته دگر تا نیما!

۵- برگزار "روز قدس" چه در سال گذشته و چه امسال بهانه ای بود برای کشتن مردم به خیابان برای حمایت از رژیم، چرا که هیات ها که میداند خلقهای ایران از آنها پیش تا کنون خود را با خلق فلسطین همستگر میدانند و بدون قید و شرط حاضر به کمک بدانها هستند. والا، اگر قصد رژیم، واقعاً حمایت از آزادی فلسطین است چرا با وجود گذشت یکسال و نیم از قیام بهمین ماه روابط با سازمان آزادیبخش فلسطین از حد حرف تجاوز نکرده است؟ و چرا رژیم جمهوری اسلامی بدست چمران به سازمان دست راستی امل آنقدر کمک مالی و تسلیحاتی کرده که امروز این سازمان بصورت خطری برای انقلاب فلسطین - چه بسا بدتر از خطر فائز نیست - های لبنان - درآمده است؟ چرا بجای کشودن

با یکا ههای نظامی و عملیاتی برای فلسطینی ها در ایران، آقای چمران چندین اردوگاه آموزش نظامی برای سازمان امل ترتیب داده تا در لبنان آنها بهتر

بتوانند با فلسطینی ها درگیر شوند و همان نحو لبنان را علیه مقاومت فلسطین سوراخند و در صفت منحدن نیروهای منفردی لبنانی و فلسطینی اختلاف سازند و در ضعف نیروهای مبارز علیه اسرائیل دست راستی ها اقدام کنند؟ رژیم ایران آنقدر در حمایت از سازمان امل "نورس" را در آورده که رهبری انقلاب فلسطین علیرغم مباحثه کاری هائیش از ایران خواست تا سازمان امل را از خاکباری و درگیری بنا بر نیروهای انقلاب فلسطین مانع شود. ما در شماره های گذشته بیکار، امل و حامیان آن در هیات ها کسکه ایران را با رها افشا کرده ایم.

از نظر ما و بنده هائی از خلق که سنت بهمان شکل سیاسی و ماهیت رژیم آگاهی دارندها هوی "روز قدس"

رژیم جمهوری اسلامی در حرف میگوید: می خواهیم "قدس" را آزاد کنیم ولی در عمل از اسرائیل مسلسل بوزی خبرداری میکند. به سده (۱) زیر سوچه کنند

بیتنا
شهرزاد
بیتنا

شماره
تاریخ
پست

لا حقه قانونی راجع به ما، من اعتبار حبه خرید سلاحهای سازمانی مورد نیاز خبریاتی جدیدی اعلامی ایران

ماده راعده:

بمنظورتا، من سلاحهای سازمانی مورد نیاز شهرتانی جمهوری اسلامی ایران، اجازه داده می شود امتیازی محدود مبلغ چهل و چهار میلیون ریال اول مرتبقت بندهد ما می وزارت دفاع ملی تا، من دفتر اعتبار سازمانت تسلیحاتی وزارت دفاع ملی قرار گیرد تا نسبت به سفارش سلاحهای سازمانی از قبیل رولور است و سن و مسلسل بوزی اقدام و به شهرتانی جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شود. رب



۱۱- سده، بوسله "وحدت انقلابی" در یک تراکت منتشر شده است

و "جها دبرای آزادی قدس" از نوع سوا استفاده هائشی است که دیگر رژیمهای ارتجاعی نسبت به قضیه فلسطین اعمال می کنند تا مردم خود را فریب دهند در ایران اسلامی هم با مطلق "دعوا بر سر لحداف منسلا است" و قدیمی در راه آزادی فلسطین و کمک به انقلاب آن برداشته نمی شود.

در بیان این مقاله، با آوری میکنند که ۲۱ مرداد مهاذف است با سقوط اردوگاه فلسطینی نل - الرعتر، بوده ها و انقلابیون فلسطینی با مقاومت ۷۰ روزه خود در برابر محاصره نیروهای دست راستی فائز نیست و رژیم سوریه، حماسه ای جاودانه در تاریخ خلق فلسطین و کلیه خلقهای تحت ستم و سوار فریبند. هر چه گسترده تر با دیبوند میان خلقهای ایران و فلسطین

★ ★ ★

عبدالواحد بنی صدر
رئیس جمهور و شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

چرا که هیات ها که میداند خلقهای ایران از آنها پیش تا کنون خود را با خلق فلسطین همستگر میدانند و بدون قید و شرط حاضر به کمک بدانها هستند. والا، اگر قصد رژیم، واقعاً حمایت از آزادی فلسطین است چرا با وجود گذشت یکسال و نیم از قیام بهمین ماه روابط با سازمان آزادیبخش فلسطین از حد حرف تجاوز نکرده است؟ و چرا رژیم جمهوری اسلامی بدست چمران به سازمان دست راستی امل آنقدر کمک مالی و تسلیحاتی کرده که امروز این سازمان بصورت خطری برای انقلاب فلسطین - چه بسا بدتر از خطر فائز نیست - های لبنان - درآمده است؟ چرا بجای کشودن با یکا ههای نظامی و عملیاتی برای فلسطینی ها در ایران، آقای چمران چندین اردوگاه آموزش نظامی برای سازمان امل ترتیب داده تا در لبنان آنها بهتر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

کسر موازنه تجارت ثوروی با کشورهای امیربالیستی غرب با آهنگ زیادی توسعه می یابد. سنخوی که آگس دریا با ن سال ۱۹۷۷ این کسری بودجه برابر ۱/۵ ملیارد دلار بود این رقم در سال ۱۹۷۸ به ۳/۴ ملیارد دلار رسید و پیش بینی می شود مبلغ ۲/۸ ملیارد دلار دیگر به رقم اخیر اضافه گردد. (۵)

سرمایه های آمریکایی در اقتصاد ثوروی

واقعیت های فوق نه تنها بیان این حقیقت است که سوسالیسم در این کشور بنا بوده است، بلکه بعلاوه این مطلب را روشن می سازد که اقتصاد ثوروی گرفتار یک بحران اقتصادی می باشد. رویزونیست ها بدروغ صحبت از شکوفائی "اقتصادی" ثوروی می نمایند و سر آمدن کمونیسم غرور نگی را اعلام می دارند. لیکن واقعیتها نشان می دهد که این "شکوفائی" همان اقتصاد سرمایه داری بحران زده است و این "کمونیسم" همان مهمتها مشتاقان گران سرمایه داری می باشد. امروز سوسال امیربالیستی با ثوروی علیرغم آنکه هزار تدارک "مادی" و حتی کمونیسم "حرف میزنند مجبورند دست گدائی بسوی امیربالیستی دراز کنند، زیرا این "تدارک کمونیسم" فزینی بیش نیست. آنان که دیگتای ثوروی پرولناریا و با ختمان سوسالیسم در ثوروی یعنی استالینی را بنا نهاده اند، آنان که امروز گرفتار مشکلات اقتصادی اجتماعی گوناگون بوده و در همین حال در پی رقابت های تسلطی و جنگ - افروزیانه بیشتری می باشند به درگاه امیربالیستی بجا نخواهد رفت و آرزو شده اند و این امیربالیستی علیرغم تضادها پیشان با سوسال امیربالیسم آنان اطمینان خاطر دارد از آنکه سرمایه های سودا و خود را در ثوروی به گردش در آورند. در حال حاضر سرمایه های آمریکا، ژاپنی و اروپائی در بخش های مختلف حیات اقتصادی ثوروی در گردش می باشند و طبقه کارگر و دیگر صنعتکاران ثوروی علاوه بر آنکه توسط بورژوازی حاکم مستشار می شوند توسط امیربالیستی دیگر نیز غارت میگردند. حال ببینیم نمونه های از این غارت توسط امیربالیسم بجا خواهد بود آمریکا کدامند؟

سوسال امیربالیستی ثوروی با او اعتبار امیربالیستی های آمریکا در آمریکا (یکی از شهر های ثوروی) یک کارخانه تومبیل سازی به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار ساخته اند. در ۱۹۷۳ موسسات امیربالیستی آمریکا ثی بنا نهادی "El Pasagos Occidental petroleum" و "company" در مسکو قرارداد ایضا نمودند که بر طبق آن در سبیری جهت یک خط لوله گاز سوسالیسم به گذاری نمایند. این سرمایه گذاری به ۲ میلیارد دلار میرسد و این لوله گاز ۳۰۰۰ کیلومتری گاز "یا کوتی" Yakoutie را

بمدت ۲۵ سال تا مین میسازد. بنا به گفته مجله "لیانی امروز" (مورخه ۱۹۷۹-۴۶)، شمار ۳۰۰ در حال حاضر ۸۰ شرکت آمریکا ثی در بخش های تولیدی اقتصاد ثوروی فعالیت می کنند. بعلاوه اخیرا یک شرکت آمریکا ثی برای تولید نوما تیزه صنعت اتومبیل یک قرارداد با ثوروی ایضا کرده است که مبلغ این قرارداد به ۲۷ میلیارد دلار میرسد و نیز همین شرکت برای ایجاد یک کارخانه جهت تولید اتومبیل در "الکمر" (با چکستان) مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری نموده است.

(۵) - ارقام از "لیانی امروز" همان شماره

سرمایه های امیربالیستی غرب در پی نفوذ هر چه بیشتر در ثوروی می باشد وجود تسهیلات و امکانات مناسب برای سرمایه های خارجی آنان را تشویق می نماید در رشته های متعدد در اینجا دگم کرده ای سرمایه گذاری نمایند. برای رسیدن به این هدف سوسال امیربالیستی جداگانه تسهیلاتی را فراهم ساخته - اند تا امیربالیستی دیگر به استناد روحیات و طبقاتی که در دیگر کشورها در ثوروی وجود دارد همین ارتباط با بدگمت که در حال حاضر رویزونیستی ثوروی برای ۲۸ پروژه جدید سرمایه های خارجی رجوع کرده اند. از جمله برای مجتمع پتروشیمی Tamsk سرمایه داران جهانخوا را آمریکا بسوسال

- رویزونیست ها به آنکه "دید ضد مارکسیستی و اکونومیستی خود را با توجه به نیازهای رشد سرمایه داری در ثوروی نه تنها قوانین اقتصاد بورژوازی را بطور فعال حاکم بر اقتصاد نمودند، بلکه بعلاوه بسوی امیربالیستی دست نیاز دراز کردند.
- آری، ثوروی استالین بدین وام و سرمایه امیربالیستی اقتصاد سوسالیستی نیرومند را تیار کرد و بسوی ثوروی برزف خاش در پی آنست تا با آنکه "هوا و سرمایه های امیربالیستی کمونیسم (!)" را بریارد.

ندتا ۱ ملیارد دلار سرمایه گذاری نمایند. اضافه که دولت مدخلی ثوروی جهت تولید اتومبیل با شرکت آمریکا "Corporation Occidental petroleum" قرارداد ای منعقد نموده که بر طبق آن سرمایه گذاری این شرکت به ارزش حدوداً ۲۰۰ میلیون دلار می رسد. و نیز ۷۷ شرکت آمریکا ثی جهت استخراج گاز طبیعی منطقه "اورانگو" (Urengo) سرمایه گذاری نموده اند و متعهد شده اند تا مجموعه عملیات استخراج گاز را انجام بدهند (منبع آمار و ارقام همانجا)



موارد فوق به روشنی نشان می دهد که سوسال امیربالیسم ثوروی در قبال سرمایه های خارجی سیاست درهای باز اتخاذ کرده است. سوسال امیربالیستی تسهیلات رویزونیستی و عوام فریبانه ای منتهی بر تدارک پایه های کمونیسم "براه انداخته اند. حال آنکه ایس تسهیلات دروغ بیشتر به ای ستن نیست. "کمونیستی" که با تکنولوژی و سرمایه های امیربالیستی بریسا میگردند، نه کمونیسم راستین بلکه کمونیسم دروغین است. در زمان رفیق استالین بریسا به بریسا به های اقتصادی سوسالیستی، با ختمان سوسالیسم پیروز مندان به پیش رفت و این امر بزرگ زمانی صورت می گرفت که ثوروی علاوه بر اینکه تنها کشور سوسالیستی وقت بوده و هنوز از لحاظ بندسروای تولیدی و تکنیک پیشرفته نبود، از هرگونه وابستگی خارجی نیز محروم بود.

در تاریخچه مختصر حزب بلشویک در باره ختمان سوسالیسم وضعیت کردن سوسالیستی ثوروی چنین می آید: "معلم است که چنین با ختمان استالینی بزرگ بدون صرف میلیاردها پول امکان پذیر نبود. سرمایه های خارجی مستمداً میزدست... کشورهای سرمایه دار در این معمولاً صنایع سنگین خود را به حساب وارد کردن سرمایه از خارج یعنی سوسالیسم عارت مستعجاب، سوسالیسم احذغرامات جنگی ای ملل مغلوب و سوسالیسم های خارجی تا سس می نمودند. کشور ثوروا ها اصولاً نمی توانست برای بدست آوردن وسایل صنعتی کردن کشور به این گونه منابع چرکین مانند تجارت ملل مستعرب یا مغلوب متوسل شود اما موضوع و امهائی خارجی، این منبع برای ایجاد ثوروی بسته بود، زیرا که کشورهای سرمایه داران وامهوی و امتناع داشتند. میبایستی این وسایل را در درون کشور فراهم ساخت. این وسایل در اتحاد ثوروی فراهم شد، در اتحاد ثوروی چنان منابع

متراکمی پیدا شد که در هیچ یک از کشورهای سرمایه داری نظیر آن دیده نشده است. بدین ترتیب می بینیم که پرولناریا ثوروی با آنکه به ثوروی خود تحت رهبری بلشویکها و رفیق استالین، کشاوری و صنعت مدرن و تکنیک جدید را توسعه داده و با آنکه با امکانات و منابع بلی تولید و اقتصاد شکوفان سوسالیستی را مستحکم ساختند پرولناریا تحت هدایت حزب بلشویک با آنکه به دیگتای ثوروی پرولناریائی روسه را از ثوروی عقب مانده ثوروی مستقل و بیرومند، کشوری با آهنگ اقتصادی بر قدرت و ثوروی سوسالیستی و پیروز منند سدیل نمود. آری ثوروی استالین بدون وام و سرمایه

- رویزونیست ها به آنکه "دید ضد مارکسیستی و اکونومیستی خود را با توجه به نیازهای رشد سرمایه داری در ثوروی نه تنها قوانین اقتصاد بورژوازی را بطور فعال حاکم بر اقتصاد نمودند، بلکه بعلاوه بسوی امیربالیستی دست نیاز دراز کردند.
- آری، ثوروی استالین بدین وام و سرمایه امیربالیستی اقتصاد سوسالیستی نیرومند را تیار کرد و بسوی ثوروی برزف خاش در پی آنست تا با آنکه "هوا و سرمایه های امیربالیستی کمونیسم (!)" را بریارد.

امیربالیستی اقتصاد سوسالیستی نیرومند را تیار کرد. ولی ثوروی برزف خاش در پی آنست تا با آنکه "هوا و سرمایه های امیربالیستی کمونیسم (!)" را بریارد. آری آنجا با بدیروزف ادعای آزادی در حقیقت به کمونیسم بلکه به ثوروی در راه سرمایه داری و امیربالیسم است. و بر واضح که پدیده های ما نیست سرمایه گذاری خارجی بحران ثوروی... ناشی از همین واقعیت است.

کسانی که ادعا دارند که ثوروی یک کشور "سوسالیستی" است باید بگویند که آیا در ثوروی بحران در کشاوری، صنعت، درامور مالی پدیده های انگاف می باشد؟ آیا سرمایه گذاری امیربالیستی امیری انگاف و منابعی شمار می آید؟ بهنچوجه این پدیده ها معلول تک واقعیت می باشد. این واقعیت عبارت است از حاکمیت بورژوازی و وجود اقتصاد امیربالیستی در ثوروی. بحران در اقتصاد ثوروی

معلول ما بهیست بورژوازی اقتصادی حاکم می باشد. این واقعیت است که با صدای رسا باید بیان داشت. برای پرولناریائی جهانی حاکمیت رویزونیسم و ثوروی دیگتای ثوروی پرولناریا در ثوروی فریسه ای بزرگ بود ولی امروزه در باره این واقعیت سوسالیسم امیربالیسم قرار گرفته ام پرولناریا و تمام سوسالیستی را استین باید بگویند تا چهره واقعی آن را برملا نمایند. رویزونیست ها و حمله حزب تسوده خاش و سازمان چریک های فدائی خلق (اکثریت) و نیز جریانات شدیداً منزلیزل در باره رویزونیسم ما نیست "راه کارگر" میگویند و واقعیتها را در کنگره جلوه دهد و سوسال امیربالیسم را سوسالیسم حساب برسد. این تسهیلات برسد پرولناریا و اقتصاد پرولناریائی می باشد. این تسهیلات آب به آب است نه تنها رویزونیست های ثوروی بلکه امیربالیسم و انجاع جهانی نیز میسرند. مترخمن رویزونیست ها، سوسال امیربالیسم را مستمداً به منحل کمونیسم جلوه داده و بدین طریق می گویند از پرولناریا و چمکنان جهان نیست به سوسالیسم طلب ایضا کند، ولی می ما رکسیست لیسنیت های جهان و در اینجا کمونیست های میهن ما نباید صدای رسا حقیقت را اعلام کند آنها باید بنا نما میروند بگویند که ثوروی امروز یک کشور سوسالیستی نیست و برای سوسالیسم بهنچگونه سرمایه باید بداند. ■

مصاحبه با رفیق نزاب حق شناس پیرامون یابوهای شیخ محمد منتظری

حق شناس: "محمد منتظری با فحاشی به من، درماندگی خود و طبقه و ایدئولوژی رانسان میدهد"

مجله "تپانقلاب" ارگان "سپاه پاسداران مورخه ۷ مرداد جاری بر اساس وظیفه‌ای که در خدمت دشمنان خلق دارد با برخی از "نودولتان" جمهوری اسلامی منجمله شیخ محمد منتظری به "مصاحبه" نشسته و علیه سازمان مجاهدین خلق ایران و نیروهای انقلابی کمونیست به نشر فحاشی و اتهامات سرپا دروغ برداخته است. اقدام این آقایان حلقه‌ای است از سلسله توطئه‌ها که بورژواها و خرده‌بورژواهای عقب مانده و ضد انقلابی برای سرکوب نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان میهن ما تدارک می‌بینند. وجود مجاهدین خلق و نیروهای انقلابی جنبش کمونیستی برای قدرت حاصل می‌شود به‌خاری در چشم و استخوانی در گلو است و بدجوری حضرات را به سرفه‌ای خطان آ و روکشانده است. آخر، خوردن این نیروها سهل نیست. این لقمه گلوگیر است و از همان نرسدای تمام، بورژواها و خرده‌بورژواهای بقدرت رسیده راه ناپودی تهدید کرده است. آنها دیوانه‌وار در کردستان و ترکمن صحرا و غوزستان، در کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها نیروهای انقلابی را مورد بی‌شرفی قرار داده‌اند و غلی غلی غالباً نتیجه محکومی گرفته‌اند. سلسله مدعیان آنها بلای جان نشان خواهد شد زیرا نیروهای انقلابی، زحمتکشان و توده‌های آگاه شده خلق را با سرکوب و زور و فریب نمیتوان از میدان بدر کرد. ما به پیروزی توده‌های زحمتکش، اطمینان کامل داریم چرا که این حکم تاریخ و منیا زده طبقه‌ای است.

از روز چهارم منبر ما که آیت‌الله خمینی طی یک سخنرانی صریحاً زبانش مجاهدین خلق را مورد اتهام قرار داد و وحشت رژیم ما کم‌رأ از شد روزافزون نیروهای انقلابی "تیشتر" آتش گرفت. حمله به نیروهای انقلابی و نشان رسیل نه تنها دروغ‌های و فحاشی‌ها به کمونیست‌ها و انقلابیون خستگی ناپذیرانهای فحشان افزون‌تر گشت. هر کسی که در سالهای قبل به سوراخ خزیده بود، هر حقیر کج و بیلاکتی و هر خرده‌بورژوا محافظه‌کاری که در نتیجه آگامی و توهمات توده‌ها اکنون به قدرت خزیده است سررا بلند کرده و برای کوبیدن شیخ "انقلابیگری" خود لجنی را به سوی کمونیست‌ها و مجاهدین خلق پرتاب میکند. اما مگر میشود حقیقت را با دروغ و لجن پوشاند؟

آقای شیخ محمد منتظری، عزیز در دانه جمهوری اسلامی، ولیعهد زاده محترم ولایت فقیه، هفت تیرکش روزهای پس از قیام، که چون عضو شورای مرکزی حزب حاکم و فرزند فقیه‌عالم بقدر سودا زهرگونه تعرضی در جمهوری اسلامی و جامعه "عدل‌علی" مومن ما ندو فقط از سوی پدر خویش به داشتن اختلال حواس روانی بودن موصوف گشت (۱) و امروز بر کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی - که نامی است شایسته و ارزانیان

(۱) - البته آقایان حاضر نیستند حکم این "قضیه" را که "ولایت" هم‌دار در مورد خودشان اجرا کنند و شیخ محمد را سفید و دیوانه بنمایند و آنگاه از مقام هیئت مبشینی بر تبعیضی دادگاه ویژه معینان و حکام "خلع لباس" شود. پیشینه تاریخی این نظام اسلامی است و چگونگی داغ تنگ سرپیشانی این رژیم بی‌ماند.

با داد - تکیه زده است. مصاحبه‌ای با مجله سپاه پاسداران ترتیب داده و طی آن هرچندی که بر زبانش آمده، فارغ از ذره‌ای حیا و بدورها زیک جوانماف و پاکینه طبقه‌ای خودنشان را زمان مجاهدین و رفیق نزاب حق شناس (که چندین سال بر اساس موضع طبقاتی و بیشن سابق خود عضویت آن سازمان را داده بوده) نموده است. شایده برای برخی عجیب بنما بد که چطور کسی که اینچنین "طلوه بر محراب و منبر میکنند" و پیوسته از اخلاق و صدق و راستگویی حرف میزنند و در مذمت دروغ - گوئی و شتمند داد سخن میدهند وقتی پای عمل پیش میاید در دست خلاف آن رفتار میکنند، اما بنظر ما عجب نیست زیرا اخلاق محتوای طبقاتی دارد. سرما به‌داران و خرده‌بورژواها پس از تکب قدرت، جاه‌راه‌ای جز باسین ندارند که بیکیا ره‌نمایان مول و معاف حلالی را که تاکنون آن‌ان دم‌میزدند، در راه حفظ منافع طبقاتشان زیر پا بگذارند و دست خود را بسن از پیش رو کنند.

سرای خلق بازگوید. اینک آن مصاحبه: سوال: رفیق شما بنظر که اطلاع دارید در چارچوب حمله ارتجاع به نیروهای انقلابی و کمونیستی، مجله سپاه پاسداران، مصاحبه‌ای با شیخ محمد منتظری ترتیب داده‌وا و در صحبت‌های خود آنها ما را زیاد با رشتها و ماجاهدین زده است. لطفاً روابط خود را با زمان مجاهدین خلق را در سالهای گذشته و روابطی که در نجف با آیت‌الله - خمینی و برخی از طلب مبارزان سالها داشته‌اید برای خوانندگان ما توضیح دهید. جواب: چون هدف از این حملات و یابوهای حمله‌کنندگان و ما هشتان و وحشتی که از رشد نیروهای کمونیستی و انقلابی دارد با رشتها از طرف سازمان و در هفته‌ها "تیکار" رشت شده، بهتر است بدون مقدمه به پاسخ سئوالات شما بپردازم:

- چرا آقای منتظری وعده‌ای دیگر از اصطلاح روحانیون مبارز سالهای گذشته، از مجاهدین و حتی کمونیست‌ها پشتیبانی میکردند ولی حالا که بقدرت رسیده‌اند اینقدر روحیانه پاپوش می‌دوزند، لجن پراکنی می‌کنند و دروغ می‌فانند و شتمند می‌زنند؟
- هر کسی که در سالهای قبل به سوراخ خزیده بود، هر حقیر کج و بیلاکتی و هر خرده‌بورژوا محافظه‌کاری که در نتیجه ناآگاهی و توهمات توده‌ها، اکنون به قدرت خزیده است سررا بلند کرده و برای کوبیدن شیخ "انقلابیگری" خود لجنی را به سوی کمونیست‌ها و مجاهدین خلق پرتاب می‌کند. اما مگر میشود حقیقت را با دروغ و لجن پوشاند؟

بدنیال نطق ضد کمونیستی و صریحاً ضد مجاهدین "آیت‌الله خمینی درجه‌ها تیرما گذشته که جزئی از میراثنامه وسیع هیات حاکمه برای سرکوب کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی بود. بسیاری فرمت را غنیمت شمرده‌اند که در دنیا حمله‌ها و دروغ‌ها هر چه بزرگتر گوی سبقت را در خدمت به دشمنان انقلاب و میریالیسم آمریکا از یکدیگر بر سر می‌بند. علاوه بر روزنامه جمهوری اسلامی که چنین مضمون‌گویی "افتضاحی طبیعی" می‌باشد آقای دعا شی سرپرست فعلی روزنامه اطلاعات، هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله ربانی و آیت‌الله منتظری و متکین و با لاف‌خیز شیخ محمد منتظری هر یک به فراخور موقعیت خویش در این کارزار ارتجاعی شرکت جستند و آنها ما را دروغ‌ها و تحریفات آن با رها و بارها از را دیوانه‌سازی و بیخ و در مطوعات درج گردید.

در پاسخ به سخنان آیت‌الله خمینی و تحریفات آشکاری که علیه نیروهای ما انقلابی، مجاهدین خلق و بویژه دوفرا از رفقای ما (حسین روحانی و نزاب حق شناس) که در سال ۵۷ معینان ما بنندگان ما زمان مجاهدین خلق ایران در نجف با آیت‌الله تماش گرفته بودند وجود داشت. ما پاسخ مغلطی تهیه کردیم که مقدمه آن در بیکار ۶۱ چاپ شد و او را ما با بغا طریخی گرفتار رها و نکالان فنی به تاخیر افتاد.

سال در سازمان مجاهدین خلق ایران گذشته است (از اواسط سالهای ۴۰ تا سال ۵۴). من بر اساس موضع طبقاتی و ایدئولوژیکی خود در آن سالها در آن سازمان فعالیت داشتم و بعداً بر اساس تجارب فکری و عملی که در دوران مبارزه روی علیه امپریالیسم و رژیم شاه‌خائن اندوخته بودم همراه با تعداد قابل توجهی از رفقا مارکسیسم لنینیسم را پذیرا شدم. دیدم که، ما مبارزه انقلابی خود علیه امپریالیسم و دیکتاتوری سلطنتی را در قالب ایدئولوژی مجاهدین که بر دانه‌های مترقیانه‌ای را از فرهنگ اسلامی ارائه میدادند متعس و قابل تبیین میدیدیم و هنگامیکه به نکالات آن پیش و ضعف‌های بی‌بردی چون سنگیری قطعی بسوی پرولتاریا داشتیم و هدفمان مبارزه بیرونی علیه امپریالیسم و رها شی زحمتکشان بویژه طبقه کارگر بود تردیدی در کنار گذاشتن بیشن گذشته و قبول مارکسیسم لنینیسم نکردیم. من به چنین تحولی در سر مبارزاتی بخش مهمی از اعضای سازمان (منجمله خودم) افتخار میکنم. من آنکه زیرویهها و برخی اشتباهات را که در جریان آن تحول در این بخش بوجود پیوست بخوام نادیده بگیرم. تحلیل و نقد آن جریان با رها از جانب سازمان ما (بیکار) - هر چند مختصر - اعلام و منتشر شده است من گوشه‌هایی از روابط سازمان مجاهدین خلق ایران با آیت‌الله خمینی و روحانیون دیگر را که در آن سالها بر اساس تقاضای که خرده‌بورژوازی با امپریالیسم و رژیم‌ها داشت، با آن رژیم مبارزه میکردند، در پاسخ به سخنان آیت‌الله خمینی (مورخه ۴ تیرماه) نوشته‌ام و آورده‌ام. قسمت اول آن

نوشته در پیکار ۶۱ منتشر شد و دنیا له آن نیز که مشخصا به ملاقاتها و تماسهای من و رفیق حسین روحانی بنه عنوان نمایندگان سازمان مجاهدین خلق ایران در آن سالها با آیت الله خمینی پرداخته است منتشر خواهد شد و در اینجا لزومی به تکرار آنها نمی بینم. البته مطالبی هم در رابطه با خود سازمان مجاهدین خلق وجود دارد که با سخ به آنها در صلاحیت خودشان است. در پاسخ به سوال شما آنجا که فرصت باشد ماده هفتم که به غزلیات و دوزغهای نا جوانمردانه و قبحخانه آقای محمد منتظری نماینده مجلس شورای اسلامی اثار و کتب و افه نامی نما بکتاب توجه به سوابق آشنائی او با مجاهدین و یوزها من در آن سالها گمان نمی کردم که او با چنین سرعتی استعفا نهاده باشد الحق که متعدهین بورژوازی و تجاریا از رودشمنان طبقه کارگر برای نیل به مقصود، به هیچ اصلی جز حفظ قدرت خود پایبند نیستند و هدف برایشان وسیله را توجیه میکنند. سوال: آشنائی شما با محمد منتظری به چه زمانی بر میگردد؟ هرگز نشسته او و وطنش شری چه میگردد و چه نظری نسبت به سازمان مجاهدین خلق - که شما عضو آن بودید - داشتند و روابط شما با شما چگونه بود؟ آیا موضع خصمانه کنونی را در گذشته نیز داشتند؟ موضع شما در قبال آنان چه بود؟ جواب: من آقای منتظری را برای اولین بار در سال ۵۱ در نجف، در منزل آقای دعاشی (بربر است فعلی روزنامه اطلاعات) - که در آن زمان سمیات سازمان بود - دیدم و تا زمان مجاهدین نزدیک بین ما که نماینده سازمان مجاهدین بودیم و او که از جمله چند طلبه با صلاح روشن و مبارزان سالها بودند سال ۵۴ ادا جدا شد. شهادت و قربانیهایی طبقاتی و ایدئولوژیک بین ما و آنها همکاری فیما بین را تسهیل میکرد. طرفین دلاویه از خرده بورژوازی تحت تسلط ایران را تا بندگی میکردیم با این تفاوت که ما به سمت زحمتکش ترین اقشار خرده بورژوازی و طبقه کارگر جهت گیری داشتیم و لاجرم را دیکالتر و انقلابی تر بودیم و علاوه بر زمان در حد قابل توجهی سازمان با فتنه بود و ایدئولوژی ما از ایده آلسم رفیقیت بری برخوردار بود در صورتیکه آنها شدت دچا رگی و برورد - کمی وبی تشکیلاتی بودند و علت روی آوردن و تاشد و همکاری شما با ما آن بود که ضعف و بی سیفیم و بیانگی خود را در حضور فعال و متشکل ما در پهنه مبارزه انقلابی با رژیم شاه جبران شده میدیدند و معیار دیگر آن شور مبارزاتی و فاطمی انقلابی را که از رزودا شنیدند وجود ما محسوس میدیدند و آنکه خود فریب چندین فاطمی و شوری را داشته باشند. آنها فرصت طلبانه - غیر عمقا اختلافاتی که در برداشت ما و آنها از اسلام وجود داشت - نیاز مند بودند چنین نمود کنند که "اسلامیها" هم میتوانند مبارزه انقلابی کنند و تشکیل داشته باشند و میدان در انحصار کمونیستها (در آن زمان فداشان (خلق) نیست. در واقع یکی از علل سمیاتی آنها به ما موضع ضد کمونیستی شان بود! از سوی دیگر عیبه وسیع مبارزه ضد امپریالیستی و ضد رژیم شاه در آن سالها و ترکیب طبقاتی نیروهای انقلابی حاضر در صحنه طوری بود که تمام اقشار خرده بورژوازی از جمله خرده - بورژوازی مرفه سنتی درجه و اولادی علیه دشمن مبارزه میکردند.

حالا که آقای منتظری و دیگر خرده بورژوازی های وابستگرا و بورژوازی های بازاری (نیز) بقدرت رسیده اند برای حفظ قدرت خود و در راه مبارزه با نیروهای که

انقلاب را نیمه تمام میداند تند و در راه پیروزی طبقه کارگر همچنان به مبارزه ادامه میدهد، آن همکارها و وحدت ضد امپریالیستی گذشته را فراموش کرده در دفاع از مواضع راست و ارتجاعی خود به لحن مال کردن مجاهدین و کمونیستها دست میزنند. محمد منتظری در ماههای میگرد که از همان اول کتابهای مجاهدین را کتابهای اسلامی نمیدانسته بلکه آنها را "کتابهای مارکسیستی" با لفظ اسلامی تلقی میکرد. است. باید از ایشان پرسید پس چرا شما چند نفر - که تعدادتان به شمار انگشتان یکدست نمیرسد و دهه "صاحب آیت الله خمینی" را تشکیل میدادید آنقدر به صرف نامستان با ما پیش این و آن افتخار میکردید؟ چرا شما حتی دو سال پس از انتشار کتاب شناخت همچنان در بسیاری از امورا زمانه نظروهای و مشورت میکردید؟ چرا با آنکه آیت الله خمینی ما را تا شنیدن که بودید در فعالیتهای فردا شما یعنی آقای دعاشی سمیانتزان فعالیتهای ما بود و ما موریتها و فعالیتها را حتی از آیت الله خمینی بعدت چند سال مخفی میداشت؟ مگر شما نبودید که در سال ۵۳ زمانیکه برای اولین بار ربطی آن سالها نداشتید بودید چند صفحه ای کپی اخبار سازمانی داخل ایران را تهیه و بخش کنید مشخصا (در آن زمان مجاهدین خلق) را مورد پستی تانی فرار دادید؟ چرا در کلیه فعالیتها شما - که امروز برایتان "ناتوانی" شده و آنها را یاد کرده و تحویل مردم آگاه میدهد - از ما کمک نمی گرفتید؟ از تهیه مطالب تبلیغی گرفته تا تالیف زدن و تا مین روزها به ما واخا بر ایران و منطقه تا مشورت در راه گرفتن یک استیقا و رادیوئی خاص برای روحانیت مبارز؟

اگر بابتان نیست از آقای دعاشی که احتمالا حافظه شان از شما قویتر است - پرسید که حتی مشار آن استیقا و رادیوئی را - که چند ماهه در او خراسان ۵۳ ادا میداشت - من انتخاب کردم و آقای دعاشی تا آخر ۵۳ نشریه خبری مجاهدین را تا ماکمال از آن رادیو میخواند و نوشته های مرا (که از سال ۴۹ مرتب برایش مینوشتم و البته همگی ملهم و موهون آموزشهای سازمانی بود) با رها و با رهایی قریب ۴ سال چه در رادیو استیقا و چه در استیقا و رادیوئی خاص "روحانیت مبارز" تکرار میکرد. اسیرا اما به کم که آنچه کم جزئی است تا چیر از همکارهایی متغیالی که بین ما و عده ای از روحانیون مبارز در آن سالها ادا میداشت. این فعالیت مشترکی بود علیه دشمن مشترک و ما اینترا و طبقه خود میدانستیم. آقای منتظری - در ریح و (سریا) در صف مقابل زحمتکشان و نیروهای ترمونیستی و انقلابی قرار گرفته است آنقدر در فرصت طلسمی غرق است که در یاد نگسی، گنجی، سردرگمی و استیمال خود و همکاران خویش در آن روزها را فراموش میکند و از یادش می رود که با چه احساس سازو احترام و جوشی گریش خنده بورژوازی به مانگا میگردند.

آقای منتظری حتما باید در آنکه در سال ۵۱ وقتی به نجف آمد شما دهه کرد که در حوال وحوش آیت الله خمینی حتی یک هفته چند نفری از طلب ما از رزودا شنیدند! او بسیار رکوشید بلکه چند نفر طلبه مبارز موجود را بنحوی سازماندهی کند ولی نتوانست! همان سه چهار نفر آنقدر گرفتار خودخواهی های بیگانه بودند و آنقدر بر سر آنکه کسی مثلا اعلامیه مجاهدین با دیگر نیروهای مبارز برای زدن و زاری دیگری به دستش برسد خود را دارای روابط با آنها معرفی بکنند ما هم اختلاف داشتند که املا ایشان به یک جوی نمی رفت. شاید ایشان فراموش نگردد با شنیدن که زمین خواستند برای صحبت کردن و رفع اختلاف بین خودش و آقای دعاشی (که حالا

از اعای دفتر ما ما است به نجف بروم و در منزل آقای شما معین شیرازی با حضور هر سه نفرتان شدید از آنها انتقاد کردم و گفتم "شما باید حداقل یکسکه جنجیب اختلافاتی کودکا نه در این شرایط خاص مبارزه دارید" آقایان ظاهرا تحت تاثیر قرار گرفتند. ولی عملا هر کدام به راه خود پستی تانی ادا میدادند. راستی که آیت سیالافته است که از اربابو عظامی میهن ما باز کرده است! آقای منتظری اگر راست میگردد که ما را در آن روزها با اصطلاح منحرف میدانست است جواد و نرفراز دوستانتش را در عراق برای آموزش نظامی در اختیار ما گذارد و ما چندین ماه آنها را در کنار افراد خودمان در بایگا و یوزها که از فلسطینی ها گرفته بودیم، آموزش دادیم؟ چرا فراموش میکنید که عیبه نفر دیگر از دوستانتش را در سال ۵۴ در سوریه برای آموزش نظامی در اختیار ما گذارد و ما یکی از رفقا مان را به عنوان مسئول آموزشی و حل و فصل کارها شای در یک بایگا فلسطینی تعیین کردیم؟

آقای منتظری امروزه ما همدین و کتاها و نظرات آنها بد میگویند ولی فراموش میکنند که خودش در بایگز سال ۵۴ تعداد قابل توجهی از کتابهای اولیه سازمان یعنی دفاعات شهید سعید محسن و علی میهن دوست و شناخت و اتحاد سازمان ما و ... را برای ارسال به داخل از ما خواست. و بالاخره کار او را استیقا چرا تا همان سال ۵۴ حتی برخی امکانات نظریه پاسپورت جعلی را بطور مثال در اختیار هم قرار میدادیم؟ بعدها مسئله سمیرا ایدئولوژی و اعلام مواضع مارکسیستی بخشی از سازمان مطرح بد که ما به کلیه جنبه های مثبت و منفی آن در تحلیل های خودمان به تفصیل پرداخته ایم. اما آقای منتظری میپرسم چرا حتی پس از اعلام مواضع در اوایل سال ۵۵ همچنان نشریه های خبری ما برای حشرات در صحنه غالب توجه بود (استرا مرحوما ملاشی که از خودتان بود در دمشق به من گفت و خواستار ادا ما را ل آنها شد و اسرا سها منع خبری از داد دانست.)



ادامه این صحاح را در شماره آینده خواهد خواند

بسمه در صفحه ۱۶ مراسم
کارگرویرخی از سازمانها و جوزه های کارگری - جوشی و حقوقی و استه به سازمان بیگانه براسه رسید و برخی از آنها فرات گذرید. دو شمربکی عنوان "شمی سرنگ مزار رفیق شهرا م و دیشی" بعنوان "سرودهای آخرس دندار با یک کومیسیتی" تقدیمی سازمان بیگرا و سربرازها ش! از سرگشتی رفیق منتقل از یکی از ماها پیش فرات گذرید. این مراسم مادرها هدیه شومند خا منهای طی بشق برشوری شمی را که خود سروده بود فرات کرد همچنین ما در شهید کومیرت و خا تا بر شمی صحت نمود. مادر رفیق شهید شهرام وید و انبریکه صورانه منکلات ماها مبارزه فرزند خود و کنون شهادتش را تحمل کرده اند صحبت نمودند. شرکت خا عواده های شهید انسان رژیم شاه، شکوه خا می به این مراسم پیخند. مراسم در حالیکه به پایان خود نزدیک بود مورد مزاحمت تعدادی از افراد آگاه و تحریک شده "حزب الهی" قرار گرفت و اسرا نجا ما درود به رفیق شهید و دیگر شهیدای جنبش انقلابی و کمونیستی بیگرا رسید. رفیق شهرا مدرد لهای کارگران و زحمتکشان میهن ما زنده خواهد ما ت.

بقیه از صفحه ۳

وزیر کار...

"با ازشوراها برای تغییر سود ویژه نظر خواهی کردند یا خیر؟" ملا شورا ای عالی کار چه گمانی هستند؟

روشن است که لفقو قانون سود ویژه، حرکتی آشکارا ضد کارگری و در جهت منافع سرمایه داران است. اگر وزارت کار، بعنوان نماینده و مدافع سرمایه داران دست به چنین کاری میزند عیب آن این نیست که برای نفوس سود ویژه چرا با شوراها شورت نگرده است، زیرا: اگر ازشوراها هم نظر خواهی میکردند با وزیرمجموعری اسلامی به چنین کاری دست میزد. زیرا این رژیم که هرگز به فرسوسا به داران کاری انجام نمیدهد. این رژیم به خوبی میداند که با ربحران گزاشی و مشکلات کنونی را با بدبخت زحمتکاران بیندازد، این رژیم بخوبی میداند که برای تشویق بیشتر سرمایه داران به سرمایه گذاری در ایران برای ایجاد "نظم" و "امنیت" برای سرمایه داران باید امروز سود ویژه را لغو کند. بعد کارگران آگاه و مبارز را اخراج کند و بعد قانون نظایطی را در کارخانه ها پدید کند و غیره. پس به فرض اینکه با شوراها هم برای تغییر این قانون نظر خواهی میدادند شوری در این کار ندانست.

اما اینکه ملا شورا ای عالی کار چه گمانی هستند، به این سؤال خود وزیر کار را بنظر جواب داد:

"به نظر من نمایندگان شوراها با سندیکاها، به نفع از نمایندگان کارفرمایان و به نفع نمایندگان دولت هستند. به نظر من نمایندگان کارگران را با توجه به اینکه مکان تعیین نماینده از طرف کارگران نبوده این افراد را من خودم با اجازة شورای انقلاب تعیین کردم."

این افراد عبارتند از: - علی ربیعی، علی محمد عرب و یک نفر ازنا سیونال که همه از عوامل حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی هستند. همچنین وزیر کار میگوید:

"به نظر من نمایندگان کارفرمایان را هم ما از مدیران دولتی انتخاب کرده ایم و نه کارفرمایان، و به نفع دولتی را هم یک نفر از وزارت صنایع و معادن، یک نفر از شرکت نفت، یک نفر از وزارت کار تعیین شده اند..."

جناب وزیر کار میگوید که چون امکان انتخاب نماینده از طرف کارگران نبود، این افراد را خودشان با اجازة شورای انقلاب تعیین کرده اند.

ما سؤال میکنیم چطور امکان انتخاب نماینده از طرف کارگران نبود؟ با از طریق رجوع به شوراها کارگری و اتحادیه های موجود کارگری نمیشد نمایندگان واقعی کارگران را شناخت؟ روشن است که این کار امکانپذیر نبود ما وزارت کار نمیتواند چنین کاری بکند، زیرا منافع طبقه سرمایه داران این عمل مغایر است. سال گذشته هم چنین بود. آن زمان هم چون وزیر کار قبلی وقت نداشت عده ای را برای شناسایی عالی کار انتخاب کرد و خودش برید و خودش دوخت و وقتی هم که حداقل حقوق کارگران ۵۶۷ ریال تعیین شد گفت: "این نظر خود نمایندگان شما بوده در شورای عالی کار ترا حساب کردند و نظر: "دنه" اما روشن است که همه اینها دروغ محض می باشد و وقتی پای منافع سرمایه داران در میان باشد حتما شورای انقلاب هم به نفع آنها مذاخله میکند، اینرا ما در کلیه اعمال و حرکات ضد کارگری رژیم کنونی که شورای انقلاب تا کنون در آن بوده است به چشممان دیده ایم.

نفر دهم که پشت میکروفن رفتن کارگر مسمن و زحمتکش بود که ازشورای کارکاها ای سنگ سیری تهران آمده بود و به درستی ضد کارگری بودن این قانون و دفاع آشکار آن را از سرمایه داران بیان کرد. او گفت که با احق حقوق ۸۸۰ ریال امسال کارفرمایان سنگ سیری متری ۴۰ تا ۵۰ تومان روی قیمت سنگ کشیده اند. در حالی که قیمت سنگ تمام شده متری ۵۲ تومان است و قیمت سنگ در بازار چندین برابر بیشتر است. در حالی که یک کارگر سنگ سیری با چند ساعت ۶۴۵ ریال حقوق میگیرد. این کارگر گفت:

"چرا شورای انقلاب سود ویژه کارگران زنده است؟ این واضح است که ما این کارخانگان کمک به سرمایه داران را میکنند. اگر میخواهند تورم را بندازند با سودی از آنها و سرمایه داران را کم کنند، نه حقوق ما را."

پس از او "بدالله سلطانه" عضو شورا و وهاب مدیر گروه بهیشتی میکروفن رفت. وی شما وقت را به حرافی گذرانید و دست آخر گوشه ای هم به وزارت کار زد.

پس از آن خالقی اداره کننده جلسه دیگر وقت صحبت به کارگران نداد و خودش اعلامه کارگران شوراها را از سوی کارگران را خواند و پس از آن از وزیر کار میخواهد که بیاید و صحبت کند.

لازمه تذکر است که اداره کنندگان جلسه سعی و کوشش زیادی به کار میبردند تا شما مثل ما مات مالی کنند و با زرنگی خاص خودشان که آن هم کوشش بران آشنی دادن کارگران و سرمایه داران است نمیکذاشتند که کارگران در دلد خودشان را بگویند و به افشگری پیروا من این عمل ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی بپردازند.

وزیر کار در صحبتهايش ادا میکند که کارگر مفهوم واقعی اعلامه لفقو سود ویژه، درست نفهمیده است. اما حرافی های او که دروغ بودن آن بر همه کارگران روشن بود، تا شیری نداشت و برخی کارگران را به اعتراضی کشانید، و کارگری با عداوت بلند فریاد زد:

وزیر کار را بدترین اما محاکمه بشود "این گفته ما تا شیدا طبع کارگران رو برودند. اما وزیر کار رول نمیکرد و به قول خودش اشیات میکرد که حقوق کارگران پس از لغو این قانون بیشتر هم شده است. وزیر کار از زحمتا شیا نه روزی خودش برای تهیه این لایحه صحبت میکرد و گفت که:

"ما وقتی لایحه سود ویژه را نوشتیم و به شورای انقلاب بردیم بدون حتی یک رای مخالف نموتب شد."

حالا دیگر برای کارگران روشن است که چرا باید همه افراد شورای انقلاب با این لایحه موافق باشند و حتی یک نفر مخالفت نکند زیرا همه افراد شورای انقلاب مدافع سرمایه داران هستند و هیچ کدام آنها حتی ذره ای در جهت منافع کارگران کوشش نکردند و نخواهند کرد.

اما بر اثر اعتراض کارگران و صحبتها ای افشا گرانه شان وزیر کار مجبور شد که کمی کوتاه بیاید و گفت که ما این قانون طاغوتی را لغو کرده ایم، اما هنوز به جای آن قانونی نگذاشته ایم، شما طرحی بدهید تا به مجلس بفرستیم، این مجلس است که باید قانون در رابطه با مالکیت و اقتصاد اسلامی تصویب کند، آنها هستند که باید راه حل بدهند که سود به چه ترتیب تقسیم شود. آیا سهم کارگران، سهم سود سرمایه، سهم زارتولید و غیره بقدر میشود... روشن است که اگر فردا هم مجلس قانونی وضع

بکنند از آنجا که مجلسی معرفی نبوده و ما شان همس رژیم کنونی هستند سود کارها را به سهم سود سرمایه داران بدهیم، سهم زارتولید، سهم سرمایه داران... تقسیم خواهد کرد و نارهبیک چیزی هم از کارگران طلبکار نمیسود. اما کارگران به گفته های وزیر کار را عراض می- کنند و یکی از کارگران او را به عنوان سرمایه دار و خاش و... معرفی میکند. اعتراضات زیادی به سخنان وزیر کار میشد، ولی چون گرداننده جلسه میخواست که کارگران صحبت کنند، وقت به آنها بعدا دو میکروفن شما ما در اختیار ورزید.

لازم است که در جلسات آینده، ما حتما نماینده ای از خود ما برای اداره جلسه انتخاب کنیم تا به اسم اداره جلسه از سرمایه داران و وزیر منبخت آنها دفاع نشود.

در خانه وزیر کار گفت: "ما شوراها را قبول داریم ولی نه همه شوراها را، مثلا کریمی را (شما بنشیند که کارگران کارخانه ما که چه جیبی بوده است و در شورا انتخاب شده بود..."

در خانه ما به دیگوشم جناب وزیر کار شما با بد هم بعضی شوراها را قبول نداریم شما باید وزیران شوراها را واقعی کارگری و مدافع کارگران هستند. هر کجا این شوراها به همت کارگران تشکیل شد، شما فوراً با هزار مازک و سرچسب به آنها حمله کردید تا کارگران را نسبت به نمایندگان واقعی شان بدبین کنید و از باب کل آلود ما میگیرید، اما کورخا نده ایما کارگران آگاه میدانند که با یستی شورا های قلابی و انجمنهای اسلامی که جنم و گوش حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی همیالکی های شما هستند را منحل کنیم و شورا های کارگری واقعی را تقویت کرده و با اجازة کنیم و از این طریق حقوقمان را که هر روز توسط سرمایه داران مزدور به غارت برده میشود دست آوریم.

کارگران مبارز!

نه آن افرادی که در خانه کارگر جمع شده اند و دست منافع کارگران را به سینه میزنند (مثلا علی ربیعی و عرب و...)، اما علا دنبال سیاستهای ارتجاعی و منافع حزب جمهوری اسلامی هستند و کارگران شورا های اسلامی کارگران (پلی تکنیک) که بیشتر نماینده و رونی مدر هستند هیچکدام حامی واقعی کارگران نیستند ما قبلا اهداف حزب جمهوری اسلامی را از علم کردن سود ویژه گفتیم. در این مقاله روشن شد که عواما "کارگران شورا های اسلامی" کارگران "نه فقط دلشان به حال کارگران نمیوسوزد بلکه می دارند با به انحراف کشانیدن مبارزات کارگران رهبری خود را بر آنسان اعمال نمایند.

کارگران مبارز!

شما تجربه کارگران ما طی چند ساله اخیر و طی دهها ساله اخیر شما منجر سیاست کارگران جهان نشان داده است که همواره این امکان وجود دارد که احزاب خاش به طبقه کارگر بتوانند طی دوره های مبارزه کارگران را بر بزرگ برد و رئیس خود بکنند (نمونسه حزب توده در سالهای ۳۲-۳۵) لیکن تجربیات سیاسی از کارگران جهان نشان داده است که کارگران هر گاه زیر رهبری واقعی خود (حزب طبقه کارگر) متشکل شوند خواهند توانست نه فقط مبارزات منصفی خود را به نحو مطلوبی به پیش ببرند، بلکه در مبارزات سیاسی بسط عنوان یک طبقه متشکل و متحد شرکت کرده، قدرت سیاسی را بدست آورده و به سمت استقرار نظام سوسیالیستی و کمونیسم - که منافع واقعی شما کارگران و توده های زحمتکش در آن بر آورده میشود به پیش بروند. ■

نقشه از صفحه ۴ اعلامیه سازمان ...

با اواخر روز چهارشنبه ۸ مرداد در دیوبند و تبریز و روزی به ها خیر لوفقانون سودویزه توسط شورای انقلاب به ریاست بنی صدر اعلام نمود. در همان روز موج عظیم اعتراضات و حتی بعضی موارد اعتصابات کارگران بوجود آمد. بسیاری از کارگرانی که بدستی بر ما هیت ضد کارگری رژیم آگاهی ندارند، بخوبی فهمیدند که این اقدام عملی است ضد کارگری. فردای هم روزی پنجمین پنجشنبه ۹ مرداد، حزب جمهوری اسلامی که بسیاری از ارگانهای دولتی - از دیوبند و تبریز و روزنامه ها گرفته تا اکثر کرسی های مجلس - شوراء را در دست دارد، در روزنامه همرسمی خود، جمهوری اسلامی شروع به داد و فریاد علیه وزارت کار و رئیس جمهور و حتی شورای انقلاب که بسیاری از اعضا آن جزء رهبران همین حزب جمهوری اسلامی هستند نمود. حزب جمهوری اسلامی به این وسیله کوشش میکرد تا خود را طرفدار کارگر و مستضعفین و دشمن سرمایه به دارمستکبرین نشان بدهد. ولی در حرف فحش دادن به سرمایه داران و استثماریان به معنی در عمل طرفدار کارگر نبودن نیست. این روزها هر حزب طرفدار سرمایه داری را که ببینید، در حرف خود طرفدار کارگر نشان میدهد... اما نباید به ظاهر حرفهای آنها و به بدویرا گفتن آنها به سرمایه داران و استثماریان و شورای انقلاب نگاه کنیم. بلکه باید بدقت کنیم، ببینیم واقعیت چیست و حزب جمهوری اسلامی با چه هدفی لغوسودویزه را مورد حمله قرار میدهد و پیشنها داتی در این مورد ارائه میدهد ما با بررسی نظرات حزب جمهوری اسلامی و عواملش نشان خواهیم داد که اختلاف بین بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی بر سر استثماریان است. استثماریان کارگران نیست. این دو جناح رژیم جمهوری اسلامی کاملاً موافق با استثماریان و سرکوب کارگران می باشند. هر دو آنها موافق با کمزردن دستمزد کارگران و مدافع منافع سرمایه دارانند. اختلاف این دو بر سر این است که قوانین ضد کارگری در این زمان یا در زمان دیگر، از این راه یا از راه دیگری به اجرا در بیاید. چنانکه تا بحال دیده ایم هر یک از این دو جناح برای کوبیدن جناح دیگری و قدرت گرفتن خودشان تاکنون از هیچ عملی دریغ نکرده اند. انتشار رنوار آیت بوسیله بنی صدر دست حزب جمهوری اسلامی و توطئه چینی آنرا برای همه روشن کرد. همه روزها ما شاهد هستیم که در مجلس شورا چگونه این دو جناح به جان یکدیگر می افتند و بته یکدیگر را بروی آب می اندازند. همچنین ما شاهد بودیم که در جریان سفارت آمریکا چگونه حزب جمهوری اسلامی با شعارهای تند و تیز "صدا مهربان لیستی" برای فریب مردم به میدان آمد و مردم را تا مدتها بدین حال خدوش گشاند.

حال ببینیم هدف های حزب جمهوری اسلامی از به اصطلاح مخالفت با لغوسودویزه چیست؟

دم خروس یا قیاسم ...!

حزب جمهوری اسلامی در ظاهراً خود را مخالف تصمیم شورای انقلاب و ریاست جمهوری در مورد لغوسودویزه نشان میدهد. روزنامه جمهوری اسلامی در روز دوشنبه ۱۳ مرداد از قول کارگران "ما طای بیانیست" که به همسب حزب وابسته است مینویسد:

"ما طای بیانیست" لوفقانون سهم کردن کارگران در منافع کارخانجات (سودویزه) که... به تصویب شورای انقلاب رسیده بود محکوم نمودیم."

ما میگوئیم اولاً حزب جمهوری اسلامی از بدستهای دربی لغو سودویزه "تود" زیاده داریا سال گذشته آیت الله بهشتی (از رهبران حزب جمهوری اسلامی) طی مصاحبه ای اعلام کرده بود سودویزه عونی است با حذف شود.

ثانیاً - بسیاری از اعضای شورای انقلاب از رهبران حزب جمهوری اسلامی میباشند. مثلاً بهشتی، رفسنجانی با هنر، موسوی اردبیلی، خامنه ای، روشن است که اگر حزب جمهوری اسلامی واقعا مخالف این قانون بود هرگز شورای انقلاب موفق به تصویب قانون اخیر نمیشد.

اینجا است که دم خروس بیرون می افتد و روشنی میشود که مخالفت حزب جمهوری اسلامی با لغوسودویزه چیزی جز فریبکاری نیست.

مزد کارگران کم کنید، اما کمی دیرتر!

چنانکه قبلاً هم گفتیم سال گذشته بهشتی در مصاحبه خود در مورد سودویزه بر روی ضرورت حذف سودویزه تا کم کرد سودویزه فقط اضافه کرده بود که حالا زمان اینکار نیست. ما نشان میدهم که هنوز هم اختلاف حزب جمهوری اسلامی با تصویب کنندگان این قانون لغوسودویزه فقط بر سر زمان اجرای این قانون است روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۱۴ مرداد به نقل از رسانه شماره ۵ انجمن اسلامی کارگران با قنده سوزنی (وابسته به این حزب) در مورد لغوسودویزه مینویسد:

"از تمام دست اندرکاران تقاضا میشود اگر کمتر چنانچه تصمیماتی اتخاذ میکنند (تصمیماتی مانند تصویب قانون ضد کارگری لغوسودویزه) اثر ایست و اوضاع را در نظر بگیرند، دیگر خود آن قوانین ضد کارگری ابراد ندارند... و مهم ترین مسئله اینکه در این موقعیت خطرناک آیا تمام مشکلات مملکتی حل شده است؟ آیا این پنجشنبه سرمایه در جهت حفظ منافع اقلیتی سرمایه دار... گام برداشته اند؟ (یعنی اگر موقعیت این چنین خطرناک نبود و ما مشکلات مملکتی حل شده بود آن وقت آیا این مجاز بود و یا سنجیم سرمایه در جهت منافع سرمایه داران گام بردارند و قسمتی از دستمزد کارگران را به حبس بزنند؟" (تاکید از ما است).

دعوا بر سر منافع سرمایه داران است

حزب جمهوری اسلامی ادعا میکند با عملکردها و تصمیمات وزارت کار مخالفت است. همان بیانیست "کارگران همه هنگی شورا های اسلامی کارخانجات و صفوف خانها رگر" وابسته به همین حزب مینویسد:

"ما طای بیانیست" لوفقانون سهم کردن کارگران در منافع کارخانجات (سودویزه) را که توسط وزارت کار طراحی شده... بود محکوم نمودیم. "ما طای بیانیست" خود از مسئولان وزارت کار را مورد حمله می خوانستیم که از پشت میزهایمان بر سر بیداری ساخت جامعه کارگری و مسائل صنعتی به کارخانجات و موسسات تولیدی رجوع کنند" حتی وزارت کار هم قبول نداشت که ما کارگران خانها کارگردان سودویزه اختلاف جدی داریم بر روی وحدت نظراسی با آن تا کید دارد:

"وزیر کار را مورد حمله می خوانستیم که در خانه کارگر جمع شده و در رابطه با سهم شدن در سودویزه کارخانها را محدود و مالکیت نظراتی داده اند گفت: خود سراسران و خواهران کارگر هم میگویند که این قانون به نفع کارگر نبود ما هم همین را میگوئیم منتها ما این شما مت را داد شتم قانونی را که سودی برای مستغفان نداشته لوفقانون، یعنی همه همجهت هستیم." (کیهان - سه شنبه ۹ مرداد ۵۹)

ما در اینجا نشان خواهیم داد که هدفهای وزارت کار و حزب جمهوری اسلامی یکی بوده و قصد هر دو جلوس - گیری از کم شدن تولید و خدمت به سرمایه داران برای استثماریان و رگران است. یکی از "منافع بلند پایه وزارت کار" در مورد همین قانون لغوسودویزه گفته است:

"این مصوبه با طرحی که کارخانجات و کارگاههای کشور از خطر رکود بیشتر تنظیم شده است." (روزنامه جمهوری اسلامی - پنجشنبه ۹ مرداد ۵۹).

وقتی که به دو من بیانیست کارخانجات کارگر (وابسته به حزب جمهوری اسلامی) مرا جمع میکنیم متوجه میشویم که دل این مدافعین دروغین طبقه کارگر هم مانند وزارت کار حال سرمایه داران میشود. وحشت زده به همان خطر "رکود تولید" و "اعتصابات کارگران" اشاره میکند، کوشش کنید:

"لوفقانون فوق (سودویزه)... عامل ایجاد نا رضایتی در کارگران شده و طی چند روز گذشته چندین کارخانه دست به اعتصاب زده و تولید واحد ها روبه رکود است. بعضی سرمایه داران بدون در نظر گرفتن طرح لوفقانون سهم نمودن کارگران در منافع کارخانجات به برداخت سودویزه ادامه میدهند." (روزنامه جمهوری اسلامی ۵/۱۳)

می بینیم که حزب جمهوری اسلامی با وزارت کار برای رساندن منافع بیشتر سرمایه داران مسابقه گذاشته اند...

تفرقه بیانداز و حکومت کن!

حزب جمهوری اسلامی و رهبران مرتجع آن و عواملش با داد و فریاد کوش میکنند سنگ طبقه کارگر را به سینه خود میزنند و خود را بدو طرفدار طبقه کارگر جا بزنند این حزب و عواملش که اینجا بر علیه استثماریان کارگران داد سخن را راه انداخته دست وقتی که به لغوسودویزه در کارخانجات دولتی میرسد میگوید:

"تا بدین حرکت در مورد شرکت های دولتی عملی دست تلفی بود." (بیانیست شماره ۵ انجمن اسلامی کارگران با قنده سوزنی)

میدانیم که سودویزه قسمتی از دستمزد کارگران می باشد و لوفقانون معنی حذف قسمتی از دستمزد کارگران است و این قدمی است در جهت استثماریان و رگران حال چه سودویزه کارگران کارخانجات دولتی حذف شود چه سودویزه کارگران کارخانجات خصوصی.

ما سوال میکنیم: چرا با حذف قسمتی از دستمزد کارگر ان کارخانجات دولتی که در واقع قسمتی از هستی و زندگی آنان است حذف شود؟ مگر کارگران کارخانجات دولتی با کارگران کارخانجات خصوصی فرق دارند؟ هدری آنها مزد بخور و نمیری میگردند که بزور کفایت خرج زندگی شان را میدهند. مردمان بیادبیا همین حقوق نا چیز کلیه ما بجان جفا را که همه روز در اثر تورم شدید قیمتشان بطور سرسام آوری با لاسرود تهیه کنند، مگر از کارگری که برای خریدن و گوشت (که حیران بدستور رژیم جمهوری اسلامی بندت گران شده است) و غیره به فروشنده مراجعه میکنند سوال میشود که و کارگران کارخانجات دولتی است یا خصوصی؟

جنگ قدرت با بنی صدر

با این توضیحات حال تا بدیهه این سوال پاسخ داد که در اینجا ما با حزب جمهوری اسلامی برای چه بدو طرف خود را حامی کارگران میزنند و با لغوسودویزه مخالفت نشان میدهند؟ یا پاسخ را با بدو طرفت کنونی سیاسی کشور و بخصوص اوج گیری اختلافات بین دو جناح

کمکهای مالی دریافت شده

۶۰۰۰	ج	۱۷۰۰۰	ف	۷۴۰۰
۳۰۰۰	د	۲۳۰۰	ب	۱۳۴۰۰
۱۴۰۰	ه	۸۰۰۰	ا	۶۰۰۰
۳۰۰۰	و	۳۰۰۰	ز	۲۲۲۰
۱۹۰۰۰	ح	۳۵۰۰۰	ط	۲۱۷۲۰
۳۱۲۰۰	ث	۱۱۵۰۰	ی	۱۳۲۲۰
۱۱۲۰۰	ج	۱۶۰۰۰	ک	۱۳۷۷۱۰
۱۱۲۰۰	د	۱۵۰۰۰	م	۳۰۰۰۰
۲۲۵۰۰	ز	۱۳۴۰۰	ن	۳۰۰۰۰
۱۵۵۰۰	ح	۱۳۰۰۰	س	۱۶۰۰
۱۱۱۱۰	ط	۲۵۰۰	ت	۵۰۱۰
۶۳۶۰	ث	۲۷۰۰	ج	۱۱۰۰۰
۱۵۷۰۰	د	۳۹۹۰۰	ب	۴۱۰۰۰
۳۵۰۰	ه	۱۴۰۰۰	ا	۱۹۵۰۰
۸۷۵۰	و	۵۵۰۰	ز	۲۰۰۰۰
۷۹۰۰	ح	۴۰۴۰	ط	۶۰۰۰
۶۷۰۰	ث	۳۳۱۰	ی	۸۵۰۰
۱۱۲۰۰	ج	۸۰۰۰	ک	۱۸۰۰۰
۱۲۲۵۰	د	۱۲۸۰۰	م	۸۳۰۰
۹۰۰۰	ه	۹۰۰۰	ن	۳۷۵۰۰
۸۷۰۰	و	۶۳۰۰	س	۴۶۰۰
۸۲۰۰	ط	۶۰۰۰	ت	۱۶۲۰۰
۹۵۰۰	ث	۷۶۰۰	ج	۵۰۰۰
۱۰۶۰۰	د	۱۲۵۰۰	ب	۵۰۰۰
۱۲۷۰۰	ه	۲۱۰۰۰	ا	۴۰۰۰
۸۸۰۰	و	۸۳۶۰	ز	۵۰۰۰
۶۰۰۰	ح	۳۰۰۰۰	ط	۱۰۱۰۰
۶۸۰۰	ث	۴۱۲۰۰	ی	۵۰۰۰
۲۹۰۰	ج	۸۰۰۰	ک	۸۹۰۰
۶۲۰۰۰	د	۸۳۰۰	م	۶۸۰۰
۱۱۱۰۰	ه	۵۵۰۰	ن	۴۰۰۰
۷۰۰۰	و	۲۷۰۰	س	۱۱۰۰۰
۵۷۵۰	ط	۷۲۴۰	ت	۶۳۰۰
۲۰۰۰	ث	۲۵۰۰	ج	۸۲۰۰
۵۴۰۰	د	۱۵۵۵۰	ب	۲۵۰۰
۲۲۰۰	ه		ا	

۱- دهقانان مبارز یکی از روستاهای آمل، مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
۲- دهقانان مبارز یکی از روستاهای محمودآباد، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
۳- رفیق ر- (سربرا وظیفه) کمک مالی ات رسید.
۴- رفیق دانش آموزان را زمان دربروورد کمک مالی ات دریافت شد.
۵- رفقای هسته دانش آموزی، مبلغ ۲۵۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
۶- رفقای هوا داران زمان دربروورد، کمک مالی شما دریافت گردید.
۷- رفیق سعید، کمک مالی ات رسید.

سوزی سینما رکن آبادان به نامش میگذازد. از طرف دیگر رژیم بوساطه ما فعال ما از خواستها و مبارزات برحق با زمانندگان شهدای سینما رکن و بعلت دشمنی اش با نیروهای انقلابی و از جمله سازمان ما میخواستند با این عنوان که گویا سازمان ما بیکار است تا ضمن با زمانندگان است خواستهای برحق این خانواده - های داغدار را سرکوب کند. دز مورتی که این خانواده های شهدا و مردم زحمتکش آبادان هستند که ما مبارزه در جهت افشای پرونده ها جمعه در دناک سینما رکن آبادان برخاسته اند و در این راه مورد حمایت همه جانبه نیروهای انقلابی از جمله سازمان ما قرار دارند ■

می بینیم که حزب جمهوری اسلامی به نازکی اینچنین دم زکارت میزند، اینها همه فقط در حرف است و در عمل حزب جمهوری اسلامی از منافع سرما به داران دفاع میکند. هدف حزب جمهوری اسلامی این است که به این وسیله و با کمک انجمنهای اسلامی کارخانجات و شوراهای مدکا رکنی که در کارخانجات علم کرده است (شورا) - ها شایع کند که رکنان کمابیش به ما هیتشان بی برده اند و تاکنون برای انحلال آنها کوششهایی همداشته اند) و همچنین بوسیله احادیه های مدکا رکنی ما نندگان خون خانه کارگر... کارگران ناراضی و معترضی که بر علیه این قانون بیخایسته اند را بدستال خود بکشند. در واقع خنجرش را از پشت به آنها بزند. همچنین حزب میخواهد به این وسیله برای بیگنج آوردن سهم بیشتر از قدرت دولتی با بنی مدرسه مقابل ببرد. زد. شما کارگران آگاه و مبارزان بدبا هوشیاری زیاد، ما هیت مدکا رکنی این حزب و عواملش را برای توده های کارگران افشا کنید و مانع از اینکار شوید. کارگران برای ایستادگی هر چه مستلزم ثروست را زودتر در مقابل توطئه - های مدکا رکنی رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی و الفای این قانون تنها یک راه دارید: تشکیل شدن در شوراها و احادیه های واقعی! بیش بسوی تشکیل شورا های واقعی!

اعلامیه شماره ۹۲

انجمن انقلابی تبریز با همت تشکل مستقل زحمتکشان را در مقابل تشکلات سازمان کارگران، مترجمین و قسوی دولتی بخوبی نمایان ساخت و نیز ثابت کرد که چنانچه رهبری تشکلات سوده ای در دست نیروهای انقلابی و کمونیستها بعنوان نمایندگان منافع طبقه کارگر بیفتد، آنکه هیچوقت چنین تشکلاتی در دام شیوه های املاح طلبانه و سازماندهی کارگران نمی شود و همچنان منافع زحمتکشان را نمایندگی میکند.

مجلس شورای ملی و اقدامات قانونگذاری دوره - های اول و دوم این مجلس نمایندگان واقعیت بود که در حالیکه ما شین دولتی (نظامی - دولتی) در دست طبقات حاکمه و مترجمین است هرگز زحمتکشان نخواهد توانست منافع خود را از طریق شیوه های پارلمانتاریستی تامین کنند. انقلاب مشروطیت نتوانست به پیروزی برسد چرا که نظام اقتصادی - اجتماعی نیمه فئودال و نیمه فئودال و سلطه امپریالیستها را بر زمین دست نخورده باقی گذاشت و تشنه دزرونی حکومت و نهادهای سیاسی و اجتماعی تغییرات سطحی بوجود آورد که آنها بسا بوشن محدود ارتجاع از زمین رفت. تشنه های فسروران جنبش سوده ای مشروطیت پس از گذشت ده سال خاموش نشدند است چرا که توده ها هنوز به رژیم نماینده خود دست نیافتند. از تجربیات جنبش خلق بسا موزیم و با حدا کثرت، با حمایت توده ها تا برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به پیش رویم ■

برخی موازین و تشوینفات مشک میریختند. پس از سخن - رانیها، جمعیت چندین هزار نفری ضمن دادن شعار - های از قبیل "مادردا غدیبه درینداست" "جلاد سینما رکن آزاد است" "با ساداربا سادارحا می سرماهدار" "با ساداربا سادارحا عمل قتل و کشتار" و... برآه افتادند. و پس از طی خیابان داخلی قبرستان متفرق شدند. ناگفته نماند که طی این چند روز را دیو و طبل بازیون خوزستان تبلیغات گسترده ای را بر علیه سازمانندگان شهدا و سازمان ما آغاز کرده است. رژیمها اینکار رترس خود را از افشادن دخالت عوامل مترجم اش درآتش -

تغوی سواد...

بسی مدتی حزب جمهوری اسلامی جستجو کرد. هما نظور که همه کارگران و زحمتکشان. مین ما چه در را دیدیم و بوی لویزیون و چه در روزنامه ها و مجلس و مساجد... شاهدند انقلاب بس بسی مدتی در حزب جمهوری شدت گرفته و علت آنهم حرص و آز و کوشش هرکدام از این دو برای قدرت گرفتن بیشتر است. و منحصرا این روزها هرکدام از این دولتها میکنند نخست وزیر و دولت مورد نظر خود را انتخاب نمایند. در این راه هم حزب جمهوری اسلامی و هم بسینی - مدرا زهر و سیله ای برای رسیدن به مقصود استقاده میکنند. و امروز حزب جریان "سودویزه" را علم کرده است تا از حرکت اعتراضی و عادلانه کارگران که لافا طلحه بس از علافان خون مدکا رکنی اخیر شروع گشته است استفاده نماید و هم از فاندن رهبری مبارزه بدست کارگران آگاه و مبارزان طوکسری نماید و هم از آن وسیله ای برای مبارزه قدرت با بنی مدرسه و وابستلیفات علیه بنی صدر و دولت موضع خود را در مقابل وی تقویت نماید...

کارگران مبارز و آگاه!
چنانکه تاکنون نشان دادیم حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب ریاست جمهوری بطور کلی با هم فرقی ندارند و همگی بر سر دفاع از سرما به داران و محسروم ساختن بسین از بسین کارگران با هم توافق دارند. اگر

بقیه از صفحه ۷

به مناسبت...

با فداکاریها و جان نثاریهای فداشان و مجاهدت - مسلح تبریز با شکو به نامش گذاشته شد. بیروزبهای بنسی جنبش مشروطیت و عقب نشینیها و تشکلهای مکرر ارتجاع در مقابل جنبش، تنها و تنها در اثر مبارزات مسلحانه انقلابیون واقعی بدست می آمد و روحانیون بزرگ و سازماندهی و فرمیستها برآمواج اینگونه مبارزات سوار شده، میوه های آنرا از طریق غصب قدرت و کسب امتیازات و چانه زدن به با حکومت تمام می - کردند و در عوض توده ها را از کسب مستقیم قدرت بازمیداشتند

نقش عظیم کمونیستها و نیز تا تبریکهای بیدریغ کمونیستهای قفقازی در پیروزی قیام تبریز، فتح تهران، جنبش جنگل... بخوبی ثابت کرد که پوشش مذهبی جنبش در اغلب نقاط ایران تا نیری تعیین کنند در محتوای آنها نمیگذاشت بلکه حتی با غصب تسلط روحانیون بزرگ بر جنبش سواد استفاده مترجمین از احساسات مذهبی توده ها میکردید و نیز ثابت کرد که انگیزه های واقعی توده ها برای مبارزه در درجه اول از وضعیت اقتصادی - اجتماعی و مادی آنها سرچشمه میگردد. تجربه تلخ خلق مهادین مشروطه توسط سازمانها و به قدرت رسیده بخوبی این واقعیت را نشان داد که توده ها تنها به تشکلهای نیروهای مسلح سوده ای قادرند قدرت سیاسی بدست آورده و حفظ نمایند. موفقیتهای چشمگیر انجمنهای سوده ای و بخصوص

بقیه از صفحه ۱۶

جرا رژیم...

این زا هیبمائی ناپایی از شب ادامه داشت و در پایان مردم فرار کرده اند که فردا ساعت ۵ صبح در قبرستان شورا جمع کنند. یکشنبه ۱۳/۵/۵۹ **افشای بازیگران شهدا**

از ساعت ۹ صبح این روز مردم بتدریج در خاکستان (قبرستان) اجتماع کردند. حدود ساعت ۱۰ صبح افشای گریه و سخنرانیهای با زمانندگان درجه رنقطه بر سر خاک شهدا شروع شد. این افشای گریه تمام جیبانی را که در این مدت بر آنها گذشته بود در بر میگرفت مردم تدبیرا تحت تاثیر افشای گریه فرا گرفته بودند و در

